



زنده باد اول ماه مه ، روز هم بستگی جهانی کارگران

کمیته مرکزی سازمان

امسال روز اول ماه مه ، در شرائطی فرا می رسد که کارگران کشورما بیش از هر زمان دیگری به سنت رزمنده این روز ، به هم بستگی طبقاتی و جهانی کارگران نیاز دارند. بقیه در صفحه 24

برگزاری اعتصاب سراسری معلمان

به مثابه یک دستاورد مهم و گامی بجلو!

جنبش معلمان همانطور که در فراخوان شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان از پیش اعلام شده بود و علیرغم همه تلاش های بازدارنده رژیم توانست بقیه در صفحه

بازی با آتش در بلوچستان

ارژنگ بامشاد

بقیه در صفحه

چه نیک گفته اند :

« آری به اتفاق جهان می توان گرفت »

رفیق ما صفرکاوه شیجانی

امروز در وان ترکیه قبولی گرفت!

بقیه در صفحه

امیر جواهری لنگرودی

تفاوت در کجاست؟

لاله حسین پور

بقیه در صفحه

در گذشت پیتر بین

Peter Bain 1941 - 2007

گزارش فروردین ماه نقض مستمر حقوق بشر در ایران فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و آمریکای شمالی بقیه در صفحه

گزارش کامل اعتصاب سراسری معلمان در روز یکشنبه 26 فروردین

گزارش اختصاصی وبلاگ کارگر

بقیه در صفحه

درخواست ماری ترز آتلا و نمایندگان گروه «سبزها»

در رابطه با پشتیبانی شهرداری پاریس

از زنان مبارز ایران در دفاع از حقوق زن

بقیه در صفحه

نامه فرزند محمود صالحی:

همسنگران و همکاران پدرم محمود صالحی!

امروز ماموران جمهوری اسلامی بار دیگر پدرم دستگیر را کردند!

بقیه در صفحه

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان

رژیم گانگستر!

باتشدید بحران اقتصادی و سیاسی، رویارویی حکومت اسلامی با کارگران و زحمتکشان، ابعاد تازه ای پیدا کرده است. بقیه در صفحه

وقتی که رژیم دانشگاه را با پادگان

عوضی میگیرد!

تقی روزبه

بقیه در صفحه

زنده باد اول ماه مه ، روز هم بستگی جهانی کارگران

. زیرا ماجراجویی های هسته ای جمهوری اسلامی و طرح های تجاوزکارانه و زورگویانه امپریالیسم امریکا و متحدان آن ، کشور و منطقه ما را به کام بحران بین المللی خطرناکی فرو برده است که مصیبت های آن را اساساً کارگران و زحمتکشان ما بر دوش میکشند و خواهند کشید. هم اکنون ، با ظاهر شدن آثار اولیه بحران ، فلاکت فزاینده و نظامی شدن عملی فضای عمومی کشور زندگی را بر اکثریت زحمتکش و محروم تحمل ناپذیرتر کرده و شمار کسانی که به غرقاب فقر مطلق رانده میشوند ، با شتاب بی سابقه ای در حال گسترش است.

مبارزات کارگری آشکارا دامنه بسیار وسیعی پیدا کرده و در شرایطی پیش می روند که پاسخ جمهوری اسلامی به آنها ، جز ادامه فساد حکومتی ، تاراج اموال عمومی ، تدارک برای جنگ احتمالی ، و سرکوب هر نوع تشکل مستقل و خفه کردن هر صدای معترض ، چیز دیگری نیست. ساختار اقتصاد کشور تا آن درجه درهم شکسته و به هم ریخته است که امکان یک زندگی کاملاً ساده در خور انسانی را برای اکثریت بزرگ کارگران و زحمتکشان به رویایی دور دست تبدیل می کند و کمترین بهبود در شرایط کار و زندگی زحمتکشان را به دگرگونی های اساسی در کل اقتصاد و سیاست کشور مشروط می سازد.

نا گفته پیداست که در چنین شرایطی مبارزات کارگران و اکثریت محروم کشور حتی برای حق ساده زندگی کردن و زنده ماندن بدون سازمان یابی و هم پیوندی سراسری نخواهد توانست به نتایج ملموسی دست یابد. ما بیش از هر چیز و بیش از هر زمان دیگر به هم گرایی و هم پستی مبارزات بخش های مختلف طبقه کارگر نیاز داریم ؛ از کارگران صنایع بزرگ گرفته تا میلیون ها کارگر واحدهای کوچک صنعتی ، خدماتی و کشاورزی ؛ از معلمان و پرستاران گرفته تا میلیون ها جوان بیکار و نیمه بیکار و انبوه زنان زحمتکشی که در بخش گسترده " تولید خانگی " برای دستمزدی ناچیز جان می کنند. تنها جنبش معطوف به سازمان یابی سراسری است که می تواند اولاً بهبودی ملموس در شرایط اقتصادی کارگران را امکان پذیر سازد ، ثانیاً (و مهم تر از همه) نیرویی برای دگرگونی های ساختاری در اقتصاد و سیاست کشور به وجود بیاورد.

در این راستا ، جنبش کارگری ایران در سال گذشته با تمرکز بر ضرورت عاجل سازماندهی اتحادیه ها و تشکل های مستقل کارگری ، گام تعیین کننده ای برداشت. و توانست بعد از دهه ها جنگ و گریز

و مبارزه با استبداد های سلطنتی و مذهبی ، برای نخستین بار موجی از تجمعات رزمنده برای ایجاد اتحادیه ها و تشکل های مستقل کارگری را شکل بدهد و موجودیت عملی آنها را بر یکی از سرکوب گرتترین رژیم های تاریخ معاصر ایران تحمیل کند. بی تردید ، این پیروزی بزرگ بدون فراتر رفتن مبارزات کارگری از محدوده کارخانه ها و واحدهای اقتصادی ناممکن بود. حقیقت این است که بحران کنونی علی رغم همه فلاکت ها و مصیبت هایی که به بار آورده ، در فراتر بردن مبارزات کارگران از محدوده کارخانه ها و محل های کار نقش مهمی داشته است. در سال گذشته ۸۰ درصد حرکت های کارگری به شکل تظاهرات ، راه پیمایی ، راه بندان ، و تجمع و تحصن در برابر ادارات و نهادهای دولتی و مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. و بیش از ۱۰۰۰ حرکت بزرگ مزد و حقوق بگیران عملاً هر روزه بسیاری از نهادهای دولتی ، ساختمان ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را در محاصره داشته اند و به سران رژیم نشان داده اند که عوام فریبی های ناسیونالیستی و مستضعف پناهاهانه نه تنها کمترین تأثیری در آرام کردن طبقه کارگر نداشته ، بلکه مبارزات کارگری در مقایسه با دوره پیش از غلبه جناح نظامی - فاشیستی رژیم و روی کار آمدن دولت احمدی نژاد ، حدود دو برابر افزایش یافته است. این مبارزات کارگری ، مخصوصاً با اشکال بارز اعتراضی و اعتصابی در شرایطی صورت گرفتند که خامنه ای ، رهبر رژیم ، به بهانه وضعیت اضطراری برای نظام ، اعتصاب را حرام اعلام کرده بود. سرانجام این مبارزات در شرایط دشوار کنونی هر چه باشد، در این نتیجه گیری تردیدی نمی توان داشت که تا این جا طبقه کارگر ایران به جای حمایت از بسیج عمومی برای انرژی هسته ای ، یعنی رانده شدن در مسیر فاجعه بار جنگ ، کشتار و فلاکت عمومی ، تجاوز امپریالیستی و تجزیه کشور ، راه مبارزه برای زندگی بهتر و سازمان یابی برای تشکل مستقل را برگزیده است. البته این مبارزه تا رسیدن به نتیجه ای روشن راه درازی در پیش دارد ، زیرا سران رژیم در تلاشند با توسل به سرکوب تجمعات و تشکل های مستقل و با تحمیل فضای خفقان شبه نظامی با این انتخاب روشن طبقه کارگر مقابله کنند و امپریالیسم امریکا نیز در نوعی ائتلاف منفی با رژیم ، تشدید سرکوب و خفقان سیاسی را زمینه خوبی برای توجیه و پیشبرد طرح های تجاوزکارانه خود می بیند.

در کنار رزمندگی و آگاهی امید بخشی که جنبش کارگری در سال گذشته از خود نشان داد ، این حقیقت تلخ را نمی توان نادیده گرفت که روند نزولی در سطح زندگی و تشدید بی حقی کارگران هم چنان ادامه دارد. آمار موجود و حتی اعترافات عده ای از مقامات خود رژیم نشان میدهد که اکنون زندگی با درآمدهای کمتر از ۴۰۰ هزار تومان در ماه در زیر خط فقر قرار دارد. بنابراین حداقل دستمزد رسمی تعیین شده (یعنی ۱۸۳ هزار تومان در ماه) حتی نیمی از هزینه های زندگی حداقل را نمی پوشاند. بعلاوه ، خواست پرداخت به موقع دستمزد ، هر چه بیشتر به یک خواست ظاهراً دست نیافتنی

زنده باد اول ماه مه ، روز هم بستگی جهانی کارگران

تبدیل می شود. و این در حالی است که به گفته دبیر کل کنفدراسیون صنعتی ایران ، حدود ۱۰ میلیون نفر ، یعنی تقریباً یک سوم نیروی کار فعال کشور از هر نوع اشتغالی برای تأمین زندگی شان محروم شده اند. و آمار واقعی بیکاران در بعضی مناطق حتی از این حد هم فراتر می رود. مثلاً به گفته علی دهقان کیا ، نماینده کارگران شهرستان کرج ، نزدیک به ۵۰ درصد کارخانه های شهرک های صنعتی کرج تعطیل شده اند و بسیاری از کارگران ناگزیرند با دستمزدهایی بسیار پایین تر از حداقل رسمی دستمزد کار کنند. و در اکثر موارد حتی همین دستمزدهای ناچیز نیز گاهی تا دو سال تمام پرداخت نشده اند و کافرمایان و نهادهای دولتی تنها زمانی به پرداخت دستمزدهای معوقه تن می دهند که کارگران به تحصن یا حتی اعتصاب غذای خشک دست می زنند. فراموش نکنیم که در سال گذشته نه تنها از شمار بیکاران کاسته نشد ، بلکه حدود ۱۲۰ هزار نفر از کارگران بزرگ به علت بحران مزمن اقتصادی و رکود تولید از کار اخراج شدند و به ارتش بیکاران فلاکت زده کشور پیوستند. مسلم است که مجموعه این شرایط به صورتی بی امان ، پایه های مادی مقاومت کارگران را ضعیف تر می سازد و هر لحظه بر سازمان یابی طبقاتی آنان اثراتی بسیار منفی می گذارد.

بررسی مبارزات کارگری سال گذشته نشان می دهد که این مبارزات عمدتاً در صنایع بزرگ محدود مانده اند ، و مهم تر از آن ، علی رغم آگاهی و سازمان یافتگی نسبی شان و خواست های غالباً واحد شان ، هنوز هم به صورت پراکنده صورت می گیرند و از ارتباطات سراسری لازم برای رسیدن به خواست های شان محرومند. باید توجه داشت که در شرایط کنونی بخش اعظم مشکلات کارگران ایران ریشه در مسائل کلان اقتصادی دارد . به عبارت دیگر ، کارگران ایران بیش از هر چیز دیگر از سیاست های نئولیبرالی کل نظام ، از خصوصی سازی ها یا به قولی ، از "خودماتمی سازی های" دارایی های عمومی گرفته تا سیاست های مالی و پولی و صادراتی و وارداتی رژیم ، صدمه می بینند. و بنابراین برای مقابله با اراده عمومی طبقه حاکم برکشور ، به هم بستگی طبقاتی و هم پستی همه بخش های مزد و حقوق بگیران نیاز دارند و صرفاً با حرکت های پراکنده هر چند کاملاً سازمان یافته نمی توانند به مقابله مؤثر با سیاست های ویران گر رژیم برخیزند. در کشوری که ۹۰ درصد کل کارگران ، یعنی همه کارگران کارگاه های زیر ده نفر رسماً از هر نوع حمایت قانونی محروم شده اند ، تردیدی نباید داشت که مبارزه طبقاتی بدون تمرکز روی خواست ها و نیازهای این قربانیان قانون جنگل نمی تواند به نتایج قابل توجهی دست یابد.

جنبش کارگری ایران ناگزیر است ضمن تحکیم دست آوردهای گران بهای اش در مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری ، نیروی خود را برای برداشتن گام های بزرگ بعدی متمرکز سازد و:

- ۱- با تمام نیرو به جنبش سازماندهی کارگران کارگاه های کوچک که بیش از ۹۵ درصد کارگاه های کشور را تشکیل می دهند ، دامن بزند ؛

- ۲- هم گرایی و هم آهنگی مبارزات کارگران بخش های صنعت و خدمات و کشاورزی را تقویت کند؛

- ۳- سازماندهی مبارزات کارگران تازه بیکار شده و بیکاران و نیمه بیکارانی را که نیمی از جمعیت فعال و جوان ما را تشکیل می دهند ، از اولویت های حیاتی خود بشمارد ؛

- ۴- در پیوند با جنبش زنان ، برای سازماندهی زنانی که به کار برده وار در " تولید خانگی " و در بازار غیررسمی کار کشانده شده اند و در حال حاضر سرپرستی حدود یک سوم خانوارهای کشور را برعهده دارند ، به تلاش برخیزد؛

- ۵- خواست حد اقل تأمین اجتماعی لازم برای دفاع از حقوق حیاتی همه محرومان کشور را در شمار مطالبات اساسی خود قرار بدهد.

بدون تمرکز نیرو برای برداشتن این گام های حیاتی ، هم بستگی طبقاتی کارگران هدفی دست نیافتنی خواهد ماند و بهبود چشم گیر و پایدار در شرایط زندگی اکثریت مردم کشور ناممکن . خیزهای امید بخش جنبش کارگری ما در یکی - دو سال گذشته جای تردیدی باقی نمی گذارد که طبقه کارگر ایران با داشتن آفق های هرچه گسترده تر و جسارت مبارزاتی هر چه بیشتر می تواند پیش برود و نه با محاسبات کوچک و خواست های محدود در واحدهای پراکنده.

سنت اول ماه مه سنت هم بستگی طبقاتی گسترده و آفق های مبارزاتی جسورانه است. با برافراشتن پرچم اول ماه ، از این سنت پرافتخار و جهانی طبقه کارگر پاسداری کنیم.

زنده باد اول ماه مه ، روز هم بستگی جهانی کارگران!

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر جمهوری اسلامی ، مرگ بر امپریالیسم!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۶ اردیبهشت ۱۳۸۶ / ۲۶ آوریل ۲۰۰۷



برگزاری اعتصاب سراسری معلمان به مثابه یک دستاورد مهم و گامی بجلو!

تقی روزبه

اعتصاب گسترده و سراسری خود را در روزهای 26 و 27 فروردین برگزار کنند: یک رویداد مهم و پرمعنا درسط مبارزات طبقه بزرگ استثمارشونده برای آزادی و برابری. اعلام پیشاپیش یک حرکت اعتراضی و سپس برگزاری آن در برابر یک حکومت مستبد و تمامیت گرائی چون جمهوری اسلامی که کوچکترین اقدام مستقل از خود را بر نمی تابد، حائز اهمیت بوده و حاوی چندین نکته است:

نخست آن که این کارتها از عهده جنبش هائی برمی آید که اولاً تاحدی سازمان یافته باشند و ثانياً پایگاه توده ای گسترده و نیرومندی داشته باشند. رژیم بر این گمان بود که با انداختن حرکات معلمان به دست اندازایام تعطیلات طولانی نوروزی و از سرگرداندن زمان تصویب بودجه و دستگیری عده ای از فعالین و سخنگویان معلمان، آن ها را در برابر کار انجام شده ای قرار داده و نهایتاً از تب و تاب می نازد. اما عزم جامعه معلمان برای پیگیری مطالبات خود آنقدر نیرومند بود که بتواند از این دست اندازها بگذرد. گرچه اعلام پیشاپیش جدول اقدامات اعتراضی در عین این که فرصت بسیج افکار عمومی و برگزاری یک حرکت بزرگ را فراهم می سازد اما در همان حال به دشمن نیز این مجال را می دهد که غافلگیر نشده و با بسیج همه امکانات و تدابیر خود به فلج کردن و تدارک لازم برای سرکوب آن به پردازد. و الحاق رژیم نیز همانطور که انتظارش می رفت، همه توانائی خود را برای ممانعت از برگزاری اعتصاب توسط کارکنان بخشی که خود آن را امر زیربنائی و استراتژیک می داند بکار گرفت. اما چنان که دیدیم ناکام ماند. مبارزت به صدور احضاریه ها و حتماً دستگیری ها و بازداشت های گوناگون در نقاط مختلف کشور، از جمله بازداشت علی اکبر باغانی یکی از فعالین و سازماندهندگان اصلی، در سرکلاس درس و جلوی چشم دانش آموزان و بدون نیازه هم آهنگ کردن آن با مسئولین مدرسه و باهدف ایجاد رعب، استفاده گسترده از تهدید به اخراج معلمان از شغل از طریق صدور بخش نامه به مدیران مدارس، ممنوع کردن تحصن در مدارس، استفاده از حربه باصطلاح تلمیح نظیر توزیع بن کالا، اعمال سانسور گسترده جهت ممانعت از بازتاب حرکت معلمان، و انتشار اخبار دروغی و اغفال کننده در مورد منتفی شدن اعتصاب و عادی بودن وضعیت مدارس کشور، هم چنین تلاش برای ایجاد تصور نادرست در بین مردم و اولیاء دانش آموزان در مورد باصطلاح زیاده معلمان و چمלקی بخشی از ترندهای رژیم برای بیرون کشیدن چاشنی این اعتصاب سراسری بود که به ناکامی انجامید. چنان که شاهد بودیم حرکت معلمان در روزهای مورد نظر طبق برنامه تعیین شده برگزار گردید که باید آن را برآستی یک موفقیت بزرگ برای این جنبش بطور خاص و جنبش زحمتکشان ایران بطور عام بشمار آورد و بدین خاطر به آنان تبریک گفت. تجربه الهام بخشی که با خاور و خفیف کردن افتد رژیم از یکسو و تقویت روحیه همبستگی و خود باوری به توان خویش از سوی دیگر، جنبش معلمان را یک گام بزرگ به جلو سوق داد. بر اساس گزارش های انتشار یافته- که هنوز بازتاب دهنده همه واقعیت ها نیست- علیرغم تهدیدات گسترده رژیم، این حرکت در بسیاری از نقاطی که این جنبش دارای تشکیلات بود (از میان بیش از 30 تشکلی که در شورای هماهنگی گردهم آمده اند) توانست در بیش از ده استان کشور از جمله تهران، همدان، اصفهان، مرکزی، خراسان، آذربایجان، زنجان، قزوین، کردستان، کرمان و... و ده ها شهرستان کوچک و بزرگ، اعتراض همبسته و پر شور خود را در شمار قابل توجهی از مدارس کشور به نمایش بگذارد. و با درهم شکستن توطئه سکوت و سانسور رژیم اعم از مطبوعات و رادیو و تلویزیون، خبرگزاری اعتصاب خود را در سطح گسترده ای مطرح سازد. تاکتیک آنها در کارگیری شیوه های ابتکاری اعتراض برای درهم شکستن توطئه سکوت، استفاده فعال از اینترنت و رسانه ها و تلفن ها ی همراه، صدور اطلاعیه های

به موقع، و بکارگیری ده ها ابتکار دیگر از عوامل تضمین کننده این موفقیت بود.

درپاره ای مناطق مثل خمینی شهر شدت همبستگی معلمان به حدی بود که رژیم را ناچار ساخت نادرستیگرشده گان را که برای زهرچشم گرفتن صورت گرفته بود آزاد کند. معلمان با گل و شاداباش به استقبال پر شور آزادشدگان پرداختند. درپاره ای نقاط مثل اسلام شهر دامنه تهدید از حد متعارف بالاترفته و وزارت آموزش و پرورش حکم معلق کردن کلیه معلمان منحصر را صادر کرد. باین همه تلاش های مذبحانه رژیم در ممانعت از این حرکت بزرگ و سپس انکار آن با شکست بزرگی مواجه شد و جنبش مزدوجقوق بگیران، پیروزی بزرگی را در کارنامه خویش ثبت کرد. بی شک وقتی از موفقیت سخن می گوئیم، این پیروزی امری نسبی بوده و در اینجا مقصودمان بیشتر ناظر بر نفس برگزاری آن در کشوری است که داشتن تشکل مستقل و برگزاری اعتصاب بسختی ممنوع است، آنهم در برابر دولتی که با همه اقتدار خود عزمش را برای ممانعت از آن بکار گرفته بود. علاوه بر این برای زحمتکشان و کارگران، اعتصاب ها همواره مهم ترین مکتب آموزش و تربیت بشمار گرفته و هر اعتصاب با اندازه ده ها کتاب و سالها تجربه در شرایط عادی دربرگیرنده درسهای آموزنده می باشد. در این میان اعتصابات بزرگ، درسها و دست آوردهای بزرگ تری را به همراه دارد که اهمیت آنها حتا از کسب مطالبات مشخص و بواسطه فراتر می رود. از جمله مهمترین آن ها، کشف و ووقوف مزدوجقوق بگیران به قدرت جمعی خود از یکسو و مشاهده آسیب پذیری رژیم از سوی دیگر است. تحت چنین شرایطی است که معلمان فرصت می یابند تا تشکل های موجود مستقل خود را بیشتر تثبیت کنند و با عبور از این آموزن زمینه گسترش آن را در شهرها و استانهای که هنوز شکل نگرفته اند، فراهم آورند. آن ها هم چنین بیش از پیش از رژیم و جناح های آن فاصله گرفته و با زدودن بقایای هرگونه توهم به وعده و وعیده های آن، بدرجه قاطعیت و رزمندگی خویش بیافزایند. نه فقط موجی تازه از معلمان را که تا دیروز فعال نبودند به صفوف خویش وارد می کنند، بلکه در برابر سایر بخش های زحمتکشان نیز به مثابه الگویی مثبت تأثیرگذار می گردند. آن ها هم چنین در متن جنبش کشاکشی، بیش از پیش برجایگاه خود در جامعه و کشف متحدین طبیعی خویش نائل آمده و ضرورت و اهمیت همبستگی با اقشار هم منافع و همسو با خود را درمی یابند. تاکتیک ها و شعارها، پرورش کادرها و ومیلین و سازمانگران خود را صیقل داده و صفوف خویش را فشرده ترمی سازند. هم چنین در این روند خواست های کوچک و اصلاحی به تدریج جای خود را به خواست های ژرف تر و کلان تر می دهند و قاطبه معلمان به گره خوردگی بین خواستهای مشخص و هم اکنون خود با مطالبات کلان بهتری می برند. در هر حال مهمترین دست متابه یک ابتکار کارا در مبارزه برای مطالبات خود است. می توان ادعا کرد نحوه برخورد رژیم با آن برای خاموش کردن حرکت معلمان و یادانشجویان و یازنان، نظیر دستگیری های گسترده- که حتا عموماً قادر نیست آنها را بطور طولانی در بازداشت نگهدارد و بشیوه بعضاً گانگسترمانه و ظاهراً شدن دولت در جلد آدم ریائی، خود به عنوان عاملی موجب تقویت وجه توده ای و افزایش روحیه و جسارت عمل شده و به مثابه عنصر تخمیرکننده برای شکل گیری پدیده همبستگی طبقاتی و اجتماعی عمل می کند. آن چه را که دارد اتفاق می افتد می توان هم چون گرده افشانی در فصل بهار برای رسیدن میوه ها بشمار آورد. این نخستین بار نیست که ارتجاع دشمنانش را در کندن گور خود یاری می دهد.

نگاهی به بخشی از آخرین اطلاعیه کانون صنفی معلمان اردبیل پس از پایان اعتصاب، جائی که اعتصاب معلمان فراگیر و گسترده بود، بخوبی رگه های ارتقاء مطالبات و تقویت عزم مبارزه برای پیشروی را نشان می دهد:

ملت شریف ایران بدانند و آگاه باشند که آموزش و پرورش ایران بیش از دو دهه است که بشدت سیاست زده شده و دستان ناپاک سیاستمداران منفعت جو و فرصت طلب

برگزاری اعتصاب سراسری معلمان به مثابه یک دستاورد مهم گامی بجلو!

در تمامی عزل و نصب ها مشاهده و مسیر حرکت تعلیم و تربیت ما منحرف شده و بطور حتم محصول چنین فضای چیزی خواهد بود که نه خواست ماست و نه خواست ملت ما . اینان معلمان را افرادی بیچاره و بدبخت می دانند که فقط در مسایل از قبیل شرکت در انتخاب و رای دادن موثر هستند و برای پر کردن صف

سیاست مداران خود خواه هرگز به منزلت جایگاه معلمان ایمان نداشته و بارها با وعده وعید های سرخرمن از این فشر صادق و نجیب بهره برداری سیاسی نموده و بعد از رسیدن به مقصد رهایشان نموده اند ولی دیگر تاریخ مصرف این بازی ها بسر آمده و این بار معلمان هستند که تصمیم گرفته اند تا سرنوشت کشور خود را خود رقم زنند و اجازه ندهند تا سیاست بازار در درون وزارت آموزش و پرورش و با عزل و نصب حزبی و مرامی سرنوشت يك میلیون معلم و 17 میلیون دانش آموز و به تبع آن کل جامعه را در دست گیرند

تشکیل اتحادیه صنفی تحت عنوان کانون صنفی معلمان حق مسلم فرهنگیان بوده که سه دهه به تاخیر افتاده است ولی فرهنگیان باید از چنین پایگاهی برای دفاع از حقوق صنفی خود حمایت کرده و با عضویت تمامی فرهنگیان چنین تشکلی قدرت و قوت گیرد . تا دیر نشده معلمان شهروستانی برای ایجاد شعبه کانون صنفی معلمان اقدام و معلمانانی که از چنین نعمتی برخوردار هستند هر چه سریعتر عضو این تشکل صنفی شوند . کانون نطقه اتصال و مرکز همفکری و استقامت ما خواهد بود . با عضویت خود و تشویق دیگر همکاران تلاشگران صنفی خود را پاری نماییم و باعث دلگرمی و مقاومت آنان گردیم. تا چنین نکنیم دردهای مشترک ما درمان نخواهد شد .

همراه شو ای عزیز

تنها نمان به درد

کاین درد مشترک

جدا ، جدا درمان نمی شود

چنانکه ملاحظه می کنید در این اطلاعیه که پس از برگزاری اعتصاب سراسری منتشر شد، فروریز بقایای توهم به همه جناح های حکومت و به وعده و وعیدهای آنها، ضرورت رقم زدن سرنوشت کشور بدست خود، حق تشکل های مستقل و درک اهمیت آن ها، بهره گیری از فرصت بوجود آمده برای گسترش آن ها به نقاطی که در آنجا هنوز شکل نگرفته اند، اهمیت پیوستن دردهای فردی و پراکنده به یکدیگر و... بخوبی مشهود است.

از سوی دیگر نفس وقوع چنین حرکتی در شرایط ارباب و اعلام پیشاپیش زمان و چگونگی برگزاری آن، برای دیگر زحمتکشان این فرصت را فراهم می سازد که همبستگی خود را با ابراز حمایت از آن به نمایش بگذارند. نمونه بیانیه زیر که پس از میتینگ معلمان در مقابل مجلس و پرورش رژیم به آن صادره شد، بخوبی شکوفه زدن این گونه جوانه های همبستگی را به نمایش می گذارد:

روز 23 اسفند ماه تجمع معلمان در مقابل مجلس شورای اسلامی مورد تهاجم نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت و طی آن، بسیاری از معلمان بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و جمع کثیری نیز بازداشت شدند. خواست اصلی معلمان اجرای نظام هماهنگ پرداختها و برخورداری از یک زندگی انسانی و شرافتمندانه است. این خواست و تجمع برای دستیابی به آن، حق مسلم معلمان است. اما در این جامعه، به جای پاسخگویی به خواست های معلمان و تلاش برای فراهم کردن یک زندگی انسانی برای آنان، با باتوم به جان این شریف ترین انسانهای جامعه می افتند و در روزهای پایانی سال صدها تن از آنان را بازداشت و روانه زندان میکنند. این برخورد و خشنیانه به مریبان فرزندان ما و آموزش دهندگان امروز و فردای جامعه، اهانتی عریان به شان و حرمت همه احاد مردم است و بی تردید عاملین و آمرین چنین سیاستهایی، بیش از پیش مورد انزجار و تنفر مردم قرار خواهند گرفت.

ما با محکوم کردن حمله به معلمین و بازداشت آنها، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط معلمان بازداشت شده هستیم و مصرا نه بر محاکمه ک دست اندرکاران حمله به معلمین و بازداشت آنها تاکید کرده و بدینوسیله بار دیگر حمایت قاطعانه خود را از خواست های بر حق معلمان اعلام می داریم.

هیئت مؤسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه کارگران اخراجی و تعلیقی نساجی کردستان

کارگران کارخانه نساجی شاهو

کارگران اخراجی کارخانه الومین

کارگران اخراجی پیرسی

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

کارگران گرداننده سایت شورا

منبع: ویلاگ علیه وضعیت موج

هم اکنون معلمان در پی برگزاری یک اعتصاب موفقیت آمیزو پرشکوه، باروجه ای قوی تر آماده پیگیری مطالبات شفاف خود هم چون اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری، عزل وزیر آموزش و پرورش، آزادی معلمان در بند و عذرخواهی دولت از معلمان بدلیل ضرب و شتم 23 اسفند، هستند. آنها هم چنین گام های بعدی حرکت خود را پیشاپیش اعلام داشته اند. بدیهی است در شرایطی که آن ها زیربیشترین فشارها قرار دارند، همبستگی با آنان و دفاع قاطع از مطالبات بحق ایشان دارای اهمیت زیادی است. بی شک رژیم در پی ناکامی خود هم چون مار زخم خورده و خشمگین در پی نیش زدن و بکارگرفتن انواع ترفندها برای درهم شکستن آن است. دوا بزار اصلی رژیم برای ازپانداختن جنبش تشدید سرکوب و تهدید مستقیم از یکسو و تلاش برای ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف معلمان از سوی دیگر است (از جمله این ترفندهای می توان به تلاش های انحرافی نمایندگان مجلس برای بدست گرفتن شعار استعفا و وزیر آموزش و پرورش باهدف کند کردن برندی این شعار اشاره کرد). بدیهی است که خنثا کردن این ترفندها از سوی همه معلمان آگاه و فعال و نیز فعالین سایر جنبش های طبقه بزرگ مزد و حقوق بگیر و نیز سایر جنبشهای اجتماعی دارای اهمیت است. بسیار مهم است که معلمان بتوانند بیش از پیش حمایت اولیاء دانش آموزان و همراهی دانش آموزان و نیز حمایت سایر اقشار زحمتکشان را نسبت به حقانیت مطالبات خود بدست آورند و بدانند که تنها راه مقابله با رژیم و دست یابی به مطالبات از طریق گسترش هر چه بیشتر پایه توده ای مقاومت، قاطعیت در پیگیری مطالبات و جلب همبستگی سایر اقشار است.

دو پیشنهادهی که در برخی ویلاگ های معلمان و در لابلای برخی نوشته های آنان دیده می شود مبنی بر شرکت خانواده های معلمان در نخص بعدی و نیز برگزاری مراسم مشترک کارگران و معلمان به مناسبت اول ماه مه بخوبی هم نیاز و هم وجود زمینه های مناسب برای گسترش هم بستگی و پایه توده ای جنبش را نشان می دهد.

شعار معلم ، کارگر، دانشجو و... اتحاد اتحاد، مهمترین شعاری است که در برابر جنبش زحمتکشان قرار دارد. با درپیش بودن 11 اردیبهشت، روز جهانی کارگر و نیز 12 اردیبهشت روز معلم، و نیز با توجه به اقدامات اعتراضی آتی و برنامه ریزی شده معلمان، روزهای مهمی را در پیش روداریم. همه توان خویش را برای اعتلاء همبستگی زحمتکشان و دفاع از مبارزات معلمان بکار گیریم.

86-01-19-18-04-2007

بازی با آتش در بلوچستان

سیاست سرکوب در بلوچستان و برخورد امنیتی با مسائل و مشکلات استان از سوی مقامات منتصب دولت احمدی نژاد با شدت در جریان است. دستگیری های گسترده، صدور احکام اعدام برای 40 درصد از دستگیر شده گان اخیر، به رگبار بستن جوانان بلوچ با اتهامات اثبات نشده و تحت فشار قرار دادن مردم و خواین از جمله اقدامات رژیم برای مهار ناآرامی ها در استان است. این دید امنیتی - پلیسی در برخورد به مسائل استان، از آنجا ناشی می شود که مسئولین استان نمی خواهند بپذیرند که خود جزئی از مشکل هستند و برخوردهای یک جانبه و دیدگاه های مرتجعانه و تعصب گرایانه " تشیع سیستانی" عملاً باعث تشدید درگیری ها و ناآرامی ها می شود و زمینه برای سوءاستفاده سلطه جویان خارجی نیز فراهم تر می گردد.

سلطان علی میر مدبرکل سیاسی و امنیتی استان سیستان و بلوچستان در 27 فروردین 86 در اظهاراتی، بی توجه به نقش مغرب شهریاری نماینده مجلس و دهمرده استانداز، گفت :

" مسائل استان جنبه ملی دارد و امنیت استانی چالشی ملی است نه منطقه ای" و سپس افزود: " با روی کارآمدن دولت نهم، با تغییر استراتژی دشمن و تشدید عملیات در محور شرق روبرو بودیم و ناامنی ها در استان تنها از جانب چند قاچاقچی نبوده و نخواهد بود بلکه سمت و سوئی سیاسی و با هدف مقابله با نظام صورت می گیرد و استان سیستان و بلوچستان به دلیل تنوع قومی و مذهبی شرایط مناسبی را برای پیاده کردن این برنامه ها از سوی دشمنان دارد. و مسائل امنیتی استان و دلایل ناامنی ربطی به دولت نهم ندارد و خاتمه نیز نخواهد یافت، زیرا با شرایط استان طبیعی به نظر می رسد." اما جناب مدبرکل توضیح نمی دهد که کدام زمینه های مناسب ناراضی در استان موجود است که دشمنان می توانند به راحتی بر آن ها انگشت بگذارند و سیاست های سلطه جویانه ی خود را به اجرا درآورند؟ مگر تنوع قومی و مذهبی به خودی خود می تواند عامل ناامنی تلقی شود؟ مگر تمامی جوانان بلوچ و مردم بلوچ وابسته به آمریکا هستند؟

برخورد مقامات استانی رژیم در بلوچستان بیش از این که برخورد مقامات دولتی با مردم کشور باشد ، هم چون برخورد یک نیروی اشغالگر وحشی است که به جان مردم بی دفاع افتاده است. نگاهی به اقدامات و برخورد های نظامی، امنیتی و قضایی در بلوچستان این امر را به خوبی نشان می دهد.

محمدابراهیم نکونام رئیس دادگستری استان سیستان و بلوچستان و مشاور وزیر دادگستری در مصاحبه با "ایلنا" در 25 فروردین 86 پیرامون دستگیری های اخیر و اقدامات مقامات دولتی گفت: " به طور تقریبی برای 60 درصد از مجاریان ، حکمی غیر از اعدام صادر شده است و تا چند روز آینده چند تن از مجرمان به شهرستان های دور تبعید می شوند." و سپس افزود: " برای برخی از محکومان نیز که محکوم به اعدام شده اند و اظهار ندامت داشته اند، تقاضای عفو شده است." این سخنان نکونام در باره دستگیری هائی بود که مقامات دولتی اعلام کرده بودند با حمله به یک پایگاه " جندالله" بیش از 90 نفر از اعضای این جریان را دستگیر کرده اند و "جندالله" با انتشار اطلاعیه ای نوشت: "ادعاهای رژیم مبنی بر حمله به یکی از پایگاه های جنبش و دستگیری 90 نفر از اعضایش توسط سپاه پاسداران رژیم آخوندی کذب محض می باشد و دستگیری های اخیر در شهرهای زاهدان، ایرانشهر، خاش و سراوان فقط به جرم هواداری دستگیرشده گان از جنبش بوده است."

این سخنان نکونام در حالی صورت می

گیرد که هم اکنون به گفته شهریاری نماینده زاهدان در مجلس اسلامی بیش از 700 نفر از جوانان بلوچ حکم اعدام گرفته اند و تلویزیون استانی رژیم اسلامی در پنجشنبه شب 24 اسفند 1385 تصاویر هفت جوان بلوچ را به نمایش گذاشت و آن ها را وابسته به "جندالله" معرفی کرد که خطر اعدام جان آن ها را تهدید می کند. این هفت نفر عبارتند از: "جواد نارویی، مسعود نصرت زهی، هوشنگ شهنازی، یحیی سهراب زهی، سعید قنبرزهی، علی رضا براهویی و عبدالملک کهرزهی".

حدا از دستگیری های گسترده و صدور احکام اعدام برای بیش از 700 نفر از زندانیان و صدور حکم اعدام برای 40 درصد دستگیرشده گان یک ماه اخیر، به رگبار بستن جوانان بلوچ در جاده ها، به بهانه های گوناگون با شدت و شقاوت تمام ادامه دارد.

محمدغفاری فرمانده قرارگاه فتح و سرپرست نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان در روز جمعه 31 فروردین ماه گفت: "در یک سلسله عملیات، رزمندگان انتظامی شهرستان چابهارموفق شدند 3 نفر از اشرا و سارقین مسلح را دستگیر و تحویل مقامات قضائی دهند" افزود: " همچنین در منطقه دیگری از استان رزمندگان نیروی انتظامی شهرستان نیکشهر و گردان 123 تیپ 1 این قرارگاه موفق شدند دو نفر از اشرا مسلح را به هلاکت رسانده و یک نفر از آنان را دستگیر کنند. در این عملیات دو دستگاه خودرو منهدم و یک دستگاه خودرو و یک دستگاه موتور سیکلت به دست نیروهای انتظامی افتاد و گروهیان گودرزی به درجه رفیع شهادت نائل آمد." در همین رابطه " حزب مردم بلوچستان" با انتشار اعلامیه ای در 29 فروردین 86 نوشت: "

در روز سه شنبه 17 آوریل 2007 سه نفر از جوانان بلوچ به نام های سیروس فرزند حسین 21ساله، عزیز درزاده فرزند رجب 30 ساله و محمدامین شیرانی فرزند مهیم 16 ساله در بین راه بنت وتوتان از توابع نیکشهر توسط نیروهای مرصاد نیروی انتظامی به رگبار بسته می شوند که دو نفر اول در دم کشته می شوند و نفر سوم زخمی و دستگیر می گردد."

در ادامه همین تهاجمات گسترده، سرهنگ پاسدار محمدجواد اثنی عشری معاون اجتماعی قرارگاه عملیاتی رسول اکرم در سیستان و بلوچستان در روز دوشنبه 27 فروردین به خبرگزاری ایرنا گفت: "مامو ان تیپ یکم تکاوری مقصد قرارگاه عملیاتی فتح در منطقه عمومی ایرانشهر در درگیری با اشرا و عوامل ناامنی ضمن وارد کردن ضرباتی به آنان ، پنج دستگاه موتور سیکلت را کشف و یک شرور را دستگیر کردند. او همچنین در روز چهارشنبه 5 فروردین 86 به ایرنا گفت : " نیروهای این قرارگاه در چند مرحله عملیات رزمی و اطلاعاتی، چهار شرور مسلح را در شرق کشور به هلاکت رساندند." و سرتیپ دوم پاسدار محمد غفاری فرمانده قرارگاه عملیاتی فتح سیستان و بلوچستان در روز 23 فروردین به خبرگزاری ایرنا گفت : " به دنبال سرقت های مسلحانه در راه های ارتباطی بمپور و ایرانشهر، مأموران انتظامی این شهرستان موفق به کشف محل اختفای فرد شرور شدند. این شرور و سارق مسلح با مشاهده مأموران پس از درگیری مسلحانه قصد فرار از منطقه را داشت که در تعقیب و گریز به هلاکت رسید. در این عملیات یک قبضه سلاح به همراه مقدار مهمات و یک دستگاه موتور سیکلت مسروقه از این فرد کشف و ضبط شد." او سپس افزود:

" مأموران انتظامی زاهدان در 24ساعت گذشته دو سارق مسلح را در بخش "کوربن" این شهرستان دستگیر که پس از بازجویی و تحقیق به چند ففره سرقت مسلحانه اعتراف کردند."

نگاهی به اقدامات نیروهای انتظامی و پاسدار اعزام شده به بلوچستان و دستگیری های گسترده و صدور احکام اعدام، نشان می دهد که مقامات کنونی استان در تلاشند با تمام قدرت سیاست و دیدگاه امنیتی - نظامی خود را به



بازی با آتش

در بلوچستان

پیش برند و هر نوع اعتراض و ناراضی را تحت عنوان مبارزه با قاچاقچی گری و شرارت و وابستگی به بیگانگان با شدت سرکوب کنند. اما واقعیت این است که به دنبال روی کار آمدن احمدی نژاد و انتصاب دهمرده به استانداری استان و انتصاب سیستانی های وابسته به باند "شهریاری - دهمرده" به مقامات گوناگون استانی، عملاً ناراضی در میان مردم بلوچ به شدت افزایش یافت. این را مقامات استانی نیز به خوبی می دانند. واقعیت این است که در دوران قبل از احمدی نژاد

با چنین ابعادی از ناراضی در میان مردم بلوچ روبرو نبوده ایم. درست از زمان روی کار آمدن احمدی نژاد و جانبداری دولت او از سیستانی های شیعه در مقابل مردم بلوچ اهل تسنن، و واگذاری تمامی مقامات کلیدی استان به وابستگان باند شهریاری - دهمرده، عملاً مردم بلوچ احساس کردند که دولت اسلامی بطور کامل در مقابل آن ها قرار گرفته است.

به همین دلیل هم بسیاری از مقامات معاونت که به این بخش از جمعیت استان پیشنهاد شد با بی اعتنائی و امتناع روبرو شد. روشن است که بر بستر رشد ناراضی در میان مردم بلوچ، و تبدیل این ناراضی به اقدامات انتقامی، زمینه برای بهره برداری های نیروهای سلطه جوی امپریالیستی نیز فراهم می شود. باید مقامات رژیم اسلامی به این سنوآل پاسخ دهند که چگونه است که سمپاتی به جریانی که به گفته آن ها وابسته به امپریالیسم است و از آن ها برای پیشبرد مقاصد خود امکانات می گیرد، در بین مردم و جوانان بلوچ گسترش می یابد؟ سیاست های ضد مردمی رژیم در بلوچستان به گونه ای است که حتی بسیاری از روشنفکران بلوچ نیز با بی اعتنائی و یا ساده اندیشی به ابعاد توطئه های امپریالیستی در این استان حساس و استراتژیک می نگرند و حاضر نیستند قبول کنند که ناآرام سازی بلوچستان به عنوان یک استان مرزی و دارای پیچیده گی های قومی - مذهبی، می تواند حلقه ای از سلسله اقدامات آمریکا و دوستانش در منطقه باشد.

اما واقعیت این است که اقدامات مقامات رژیم اسلامی در این استان، عملاً فرصت های طلائی برای تحقق توطئه های امپریالیستی فراهم می آورد. وقتی مقامات جمهوری تمامی مردم بلوچ را به چشم بیگانه می نگرند؛ به مذهب شان توهین می کنند؛ به هر جوان و میان سالی که برای امرار معاش به تجارت مشغول است، مهر قاچاقچی می کوبند، هر موتورسوار و توپوتا سواری را اشرار می نامند و به رگبار می بندند؛ هر نوع مخالفتی، هر چند صنفی را توطئه ی امپریالیستی می نامند؛ برای گروه، گروه از جوانان دستگیر شده حکم اعدام صادر می کنند و جوانان بی گناه بلوچ را به راحتی به چوبه های دار آویزان می کنند، نباید انتظار داشته باشند که این مردم نجیب و صبورو مغرور، دم فرو بندند. برقراری حکومت نظامی در بلوچستان و نقش نیروی اشغالگر خشن را بازی کردن، امنیت استان را تأمین نمی کند، بلکه آن را به بشکه باروتی تبدیل می کند که می تواند منفجر شود. این را مقامات رژیم اسلامی باید خوب به یاد داشته باشند.

و این بزرگترین خدمت رژیم اسلامی به امپریالیسم آمریکا است. از این رو برای مقابله با توطئه های امپریالیستی، برای پایان دادن به تهاجمات گسترده رژیم به بلوچستان و برای همراهی و همدردی با مردم بلوچ باید به موج شدت یابنده ی سرکوب اعتراض کنیم و فریاد مظلومیت این خلق تحت ستم را به گوش جهانیان برسانیم

8 اردیبهشت 1386 - 26 آوریل 2007

.....

چه نیک گفته اند :

« آری به اتفاق جهان می توان گرفت »

رفیق ما صفر کاوه شیجانی امروز در وان ترکیه قبولی گرفت
برای دفاع از جان دیگر پناجویان رانده شده از جهنم
جمهوری اسلامی ایران نیز چنین کنیم !

یاران ، دوستان و رفقای نازنین! رفیق ما صفر کاوه شیجانی ، به همت تلاش و همیاری یکایک شما امروز قبولی گرفت . رژیم جمهوری اسلامی طی 28 سال حاکمیت سیاه و تباهی آورش ؛ حاصل جان گیری ، جز دستگیری ، زندان، اعدام و کشتار ، گسترش فساد و تباهی، خانه خرابی ، آواره گی، ویرانی، افزایش فقر، اعتیاد ، فراز مغزهای کشورمان، مهاجرت و تبعید به ناگزیر کشاندن میلیون ها تن از شهروندان خویش ، موجودیت ناپهنگامش، نتایج مثبت و موثری برای جامعه ایران در بر نداشته است .

در این میان رفیق صفر کاوه شیجانی یکی از زندانیانی سیاسی سازمان ما (راه کارگر) ی ها بود که حکمش از 3 سال به هفت سال ونیم در استان گیلان افزایش یافت و پس از رهایی از زندان و اقدام دیگر باره فعالیت سیاسی و دشواری زندگی مجدش ، با دستگیری رفیق همراهش، مجبور گردید به مانند یکی از هزاران تنی عمل کند که هر کدام از ما، نمونه مجسم آنیم و آن اینکه پس از نجات جا نش از جهنم جمهوری اسلامی ، به ترکیه بگریزد و به سازمان ملل ترکیه جهت دریافت پناهنده گی معرفی کند. چنین کرد و خود را در تاریخ (25 اکتبر 2004) به یو ان ترکیه شناساند. صفر با پاسخ نگرفتن از (یو ان) درست تا به امروز در نگرانی و دلشوره بسر می برد. همین امر دخالتگری فعال همه شماییان را بر انگیخت و این دخالت همه جاتیبه فعال در فاصله ای کم به نتیجه انجامید.

حدت تاییدیه ها ، نامه ها، فاکس ها ، طومار ها ، تلفن ها و دیدار حضوری فعالان مدافع حق پناهنده گی با یوان آنکارا، همه و همه نیروی توأماتی شد ، که یوان را به عکس العمل مثبتی کشاند که پرونده صفر کاوه شیجانی را، دیگر بار به میان کشد. رفیق صفر امروز 19 آوریل 2009 برابر 30 فروردین 1386) قبولی گرفت و شادمان از اقدام جمعی ما ، در تلفن به من میگفت : « وقتی با وکیل مسنول پرونده ام روبرو شدم ، روی میز کارش ، کوهی از نامه و فاکس دیده میشد ، هم مرا به شگفتی باز داشت و هم آن مسنول با خنده مرا برانداز میکرد وگفت: انگاری خیلی طرفدار داری » صفر به همه شما سلام دارد و دستان مهربان تان را به گرمی میفشارد . تلاش و دوندگی یکایک شما زندانیان سیاسی در سراسر اروپا ، آمریکا ، کانادا و استرالیا ، مسنولان انجمن ها ، نهاد های فرهنگی و اجتماعی ، سایت های مسنول و تشکلات مدافع حق پناهنده گی در سراسر اروپا و ... ، و امضاء گذاشتن یکایک شما انسانهای آزادیخواه ، برابری طلب ، چپ و سوسیالیست و چهره های شناخته شده فعالان سازمانها و احزاب در فاصله یکماه اخیر ، نشان داد که همگرایی ها و وسعت گره خوردن ها چه نیروی عظیم اجتماعی را به جولان در می آورد و چه شاهکاری می آفریند.

قبولی رفیق صفر نه تنها برای صفر، بلکه عمق اتحاد و همبستگی ما را به طور جدی و برای دیگر موارد هم عیان می دارد . این کمپین نشان داد که قدرت ما در اتحاد ماست ، در یگانگی عمل ماست و در دور نشدن از هویت ما و در گره خوردن های ما به یکدیگر و شتاب بخشی به صف اعتمادها و اتحاد معنی می یابد. ما این پیروزی را به همه شما تبریک می گویم. دست همگی یاران ، دوستان و رفقای نازنین درد نکنند. آری "به اتفاق جهان می توان گرفت ! 19 آوریل 2007

تفاوت در کجاست؟

وقتی از زاویه فمینیسم و تبعیض جنسی به درخواست های زنان نگاه کنیم، دیگر تفاوت های میان این درخواست ها بنیادی به نظر نمی آیند. صد البته گروه های مختلف زنان بر اساس تفاوت های شان، درخواست های متنوعی را بیان می کنند، اما رفع تبعیض جنسی نقطه اتصال شان است و در این خصوص اشتراک اساسی دارند. با وجودی که مظاهر تبعیض جنسی نیز در حوزه های مختلف، دگرگونه هستند، اما ریشه تمامی آن ها یک سان است و تنها به دلیل این که در شرایط مختلفی ظهور می یابند، شکل دیگری به خود می گیرند. برای مثال مقایسه کنید برخورد مردی با همسرش در یک روستای دورافتاده را با رفتار مردی، تحت تأثیر نظام مردسالار از طبقات متوسط با همسرش در تهران. تفاوت بسیار زیاد است. اما چنین تفاوتی، کیفیت ماهوی ندارد بلکه تنها در شکل و بروز آن است که تفاوت دیده می شود.

بنابراین تفاوت جای گاه طبقاتی، جغرافیایی یا تربیتی زنان، مانعی برای ایجاد یک گفتمان مشترک علیه تبعیض جنسی نیست. در تبعیض جنسی، همه زنان درد مشترک دارند. آن ها به صرف زن بودن در یک جامعه مردسالار تحت فشار قرار دارند و وظیفه زنان آگاه است که چنین دردی را تبدیل به یک گفتمان مشترک کنند.

به این ترتیب درخواست هایی که زنان به علت جنسیت خود در جامعه با آن مواجه شده و مطرح می کنند، یا این که می بایست به آن درخواست ها آگاه شده و مطرح کنند، همان گفتمان مشترک میان بخش های مختلف زنان است. این گفتمان مشترک وجوه مختلف مبارزه علیه تبعیض جنسی را تشکیل می دهد و فمینیسم ناظر بر رفع چنین تبعیضی می باشد. در نتیجه، تا جایی که زنان با تمام تفاوت های شان و در هر بخشی از جامعه که حضور دارند، علیه رفع ستم جنسی مبارزه کنند، با تمام اختلافات بنیادی که در حوزه های دیگر دارند، در امر مبارزه فمینیستی اشتراک عمل پیدا می کنند.

البته این اشتراک عمل به خودی خود اتفاق نمی افتد. گفتمان مشترک تنها در تئوری هم زاد مبارزه علیه تبعیض جنسی است و در عمل به دلایل فراوان به راحتی تحقق نمی یابد. گفتمان مشترک را باید سازمان داد. برای ظهور گفتمان مشترک باید تلاش کرد و تنها زمانی می توانیم آن را عملی کنیم که به اشتراک بینداری در امر مبارزه با تبعیض جنسی در میان اقشار مختلف زنان باور داشته باشیم. باید اعتقاد داشته باشیم که نظام مردسالاری از کلیه زنان به تمامی اشکال ممکنه بهره برداری می کند و هر زنی (تأکید می کنم: هر زنی!) را در جای گاه فرودست قرار می دهد و از آنان برای رسیدن به قدرت، چه در سطح یک نظام، چه در موقعیت های مختلف اجتماعی و چه در یک خانه، نهایت استفاده را می کند. در این جا ضروری است تأکید کنیم که بحث روی تک تک مردان نیست، بلکه منظور نظام مردسالاری حاکم بر جامعه و بر مردان و زنان است. چه بسا مردان آگاهی که هم راه با زنان، با این نظام می جنگند و از طرف دیگر زنان ناآگاهی که خود بر چرخ این نظام مردسالارانه سوارند و هنوز متوجه نیستند که چگونه هم جنس خود را به مثابه یک انسان در لابه لای این چرخ ها خرد می کنند. رفتار جامعه مردسالار نسبت به جنس زن، ضرورت گفتمان مشترک را الزامی می کند.

در این جا می شود نقبی به سؤال سوم زد. آیا تفاوت های میان زنان شهر و روستا، میان اقوام مختلف و طبقات و هم چنین میان اقشار مختلف زنان، آن چنان اساسی است که نمی توان از حقوق زنان به مثابه یک واحد و یا از قانون یگانه سخنی به میان آورد؟ پاسخ به این سؤال منفی است. واقعیت این است که این تفاوت ها هر چه فاحش و بزرگ باشند، اشتراک در زن بودن و نقش مشترک فرودست داشتن را نفی نمی کنند و دقیقاً به همین علت است که نه تنها مبارزه علیه تبعیض جنسی اشتراک دارد، بلکه قوانین ناظر بر رفع تبعیض جنسی نیز می تواند و می باید اشتراک داشته باشد. ایده ای که شرایط حاکم بر اقشار مختلف زنان را متفاوت می بیند و در نتیجه قوانین حاکم بر آن محیط را نیز متفاوت ارزیابی می کند و اصلاً ضرورت یک قانون مشترک برای کل زنان را نادرست می داند، نمی تواند در مجموعه خود ایده درستی باشد.

برای مثال گفته می شود، وقتی برخی زنان اصلاً توانایی نگهداری فرزند خود را به تنهایی ندارند، حق سرپرستی برای مادر، تنها به درد برخی دیگر از زنان می خورد و یا اینکه حق طلاق برای زنان بورژوا خوب است و آن زن زحمت کش اصلاً نمی خواهد

مایلیم به بحثی که حول و حوش روزهای 8 مارس توجه مرا برانگیخت، بپردازم.

این بحث را تبدیل به چند سؤال می کنم و سعی می کنم به آن ها تا جایی که در یک چهارچوب می گنجد، در این نوشته پاسخ دهم.

1- آیا تفاوت میان جای گاه زنان در جامعه، تفاوت میان درخواست های شان را بنیادی می کند؟

2- آیا گفتمان مشترکی میان بخش های مختلف زنان در جریان مبارزه علیه تبعیض جنسی وجود دارد؟

3- آیا تفاوت های میان زنان شهر و روستا، میان اقوام مختلف و طبقات و هم چنین میان اقشار مختلف زنان، آن چنان اساسی است که نمی توان از حقوق زنان به مثابه یک واحد و یا از قانون یگانه، سخنی به میان آورد؟

4- تفاوت در کجاست؟

پیش از هر چیز تأکید می کنم که نه تنها تفاوت میان مردان و زنان، بلکه تفاوت میان زنان در حوزه های مختلف، از بنیادی ترین تفاوت گرفته تا روینایی ترین، حقیقتی ست انکارناپذیر که با نادیده گرفتن آن ها، جز این که همه زنان را به مثابه یک گونی سیب زمینی در نظر بگیریم و تحلیل ها و تاکتیک های اشتباه ارائه دهیم، نتیجه دیگری ندارد. این تفاوت ها علاوه بر آن هایی که در بالا شمرده شد، مانند اختلاف جغرافیایی، قومی و طبقاتی، در حوزه های دیگری نیز مانند اپیدئولوژی، مذهبی یا لائیک، وابستگی سازمانی و یا غیر سازمانی، روشن فکر یا غیر روشن فکر و هم چنین تفاوت های تربیتی، اخلاقی و عادات و غیره میان اقشار مختلف زنان، خود را نشان می دهند.

تمامی این تفاوت ها در نحوه ارائه درخواست های زنان تأثیر تعیین کننده دارند. مسلماً خواست هایی که از زبان یک زن شهری، تنها به صرف شهری بودنش مطرح می شود، با خواست های یک زن روستایی و یا حتی زنی که در یک شهر دورافتاده زندگی می کند، تفاوت های بسیاری دارند. حتی زمانی که در یک شهر زندگی می کنند، بر اساس این که با چه طبقه و قشری در جامعه در ارتباط هستند، خواست های متفاوتی را نمایندگی می کنند.

این ها همه حقیقت هستند. اما حقیقت انکارناپذیر دیگر این است که همه این زنان، تنها و تنها به جرم زن بودن، به طور دوگانه و یا چندگانه تحت یک تبعیض مشخص به نام تبعیض جنسی نیز قرار دارند. آن ها تنها به دلیل جنسیت خود درخواست هایی را دارند که دیگر تفاوت بنیادی با هم ندارند. درخواست هایی که با نسبت به آن ها آگاه هستند و آن ها را طرح می کنند و یا بخشا هیچ گونه آگاهی در آن رابطه ندارند و یا حتی در مقابل آن می ایستند. تصور کنید زن کارگری را که مذهبی است و با این که قاطعانه علیه تحقیری که بر زنان در چهارچوب کارش می شود، می جنگد و درخواست دست مزد و حقوق برابر با مرد را دارد، اما درخواست آزادی پوشش و رفع حجاب اجباری را نه تنها درک نمی کند بلکه در مقابل آن هم می ایستد. در مقابل، زنی که برای آزادی پوشش خود به خیابان می رود و فریاد سر می دهد، شاید هیچ گاه در شرایطی مشابه با آن زن کارگر قرار نداشته و خواست های او را نه تنها بیان نمی کند، بلکه درک هم نمی کند.

برای مثال، آیا خواسته های زنان معلم با خواسته های زنان پرستار یکی است؟ آیا زنان خانه دار و زنان کارگر خواسته مشترکی دارند؟ پاسخ منفی است. اما مسئله فمینیسم رسیدگی به این خواست ها نیست. فمینیسم، مسئله و درخواست های زنان را در هر طبقه و قشری که هستند، تنها به این دلیل که به دلیل جنسیت شان تحت سرکوب و تحقیر قرار می گیرند، بررسی می کند. فمینیسم ناظر بر مبارزه برای رفع تبعیض جنسی است.

تفاوت در کجاست؟

به طلاق فکر کند و با شکل ستم مردسالارانه در میان برخی اقوام آن چنان متفاوت است که تصویب یک قانون واحد دردی را برای زنان دوا نمی‌کند..... و استدلالاتی از این قبیل.

چنین تناقضاتی در ارائه درخواست ها موجب نمی شود که اولاً برخی درخواست ها را اصلی و برخی را فرعی قلمداد کنیم و یا اصلاً قابل طرح کردن ندانیم، ثانیاً معتقد باشیم که ارائه درخواست ها را به علت اختلافات جغرافیایی، طبقاتی و غیره، منطقه ای کرده و هر جا بنا به مشخصات آن منطقه درخواستهای ویژه ای را طرح کنیم. برای مثال، اگر اکثریت زنان درخواست حق آزادی سفر را نه درک می‌کنند و نه امکان سفر آزادانه را دارند، بنابراین باور به این که نیازی به طرح آن و روشن گری در باره آن وجود ندارد، نادرست است.

تمام این استدلالات زمانی منطقی جلوه می‌کند که هنوز اعتقادی به گفتمان مشترک نداریم و هنوز آگاهی را توده ای نکرده ایم و هنوز اتحاد نظام مردسالاری را نپذیرفته ایم. این نظام آن چنان موزیایی و به اشکال مختلف در زوایای زندگی اجتماعی و خصوصی هر زنی نفوذ می‌کند که حتی بسیاری از زنان نیز متوجه حکومت چنین نظامی بر تمامی وجوه زندگی خود نیستند. اگر نظام مرد سالاری با کلیت خود بر زنان حکومت می‌کند، به تفاوت ها اهمیت نمی‌دهد و به هیچ زنی رحم نمی‌کند، زنان نیز می‌بایست با رسوخ آگاهی میان آحاد جامعه، برای یک گفتمان و عمل مشترک تلاش کند و صد البته که در این راه مردان آگاه و فمینیست را نیز نباید فراموش کنند. انسان هایی که در دگرگونی اجتماعی از زاویه رفع سرکوب زنان به لحاظ جنسیت شان هم گام هستند، فمینیست های آگاه شمرده می‌شوند، چه زن باشند و چه مرد.

تفاوت در کجاست؟

در مبارزه با تبعیض جنسی، تفاوت میان پی گیری این مبارزه تا به آخر و یا عدم پی گیری آن از جانب زنان است.

چنین تفاوتی، البته بنیادی است. مبارزه علیه تبعیض جنسی، مبارزه ای ست ریشه ای و بلند مدت. از آن جا که مبارزه با تبعیض جنسی جدا از مبارزه علیه سایر تبعیض ها نیست و تا کلیه تبعیض ها در جامعه از بین نرود، تبعیض جنسی نیز نمی‌تواند ریشه کن شود، بنابراین تنها زمانی این مبارزه را تا به آخر دنبال می‌کنند که نفع و بقای خود را در نابودی سایر تبعیض های موجود در جامعه ببینند و چنین زمانی هستند که نیروی پایه ای مبارزه علیه ستم جنسی را تشکیل می‌دهند. زمانی که دچار سایر اشکال فرودستی از جمله نابرابری طبقاتی، ملی و غیره نیز هستند.

هرچند این امر نافی آن نیست که زنان از هر طبقه و قشری تا مرحله ای از این مبارزه حمایت به عمل می‌آورند و بدون چنین حمایتی، مبارزه علیه تبعیض جنسی، با شکل نمی‌گیرد و با ناقص است. ناگفته نگذاریم که اتفاقاً همین زنان در شکل گیری مبارزه علیه تبعیض جنسی نقش فعال و تعیین کننده دارند و بدون سازمان دهی چنین نیروهایی، جنبش زنان قابل تصور نیست. به یاد بیاوریم نیروهایی را که تظاهرات ضد حجاب در اوایل شکل گیری جمهوری اسلامی را سازمان دادند، و یا توجه کنیم به شکل گیری جنبش زنان موجود در شرایط کنونی و نیروهای روشن فکر تشکیل دهنده آن را.

از آن جا که هر حرکتی علیه تبعیض جنسی آگاه گر است و هر آگاهی در این مسیر، سازمان گر، بنا براین حمایت از چنین تلاش هایی وظیفه مبارزان راه آزادی و عدالت می‌باشد. اما می‌بایست تأکید کرد، تا زمانی که مبارزه علیه تبعیض جنسی توده ای نشده و نیروی پایه ای خود را نیافته است، نمی‌توان به نتیجه رسیدن این مبارزه امید داشت.

.....

در گذشت پیتر بین

Peter Bain 1941- 2007

پیتر بین که روز اول فروردین ۱۳۸۶ در گلاسکو درگذشت از مدافعان و متحدان پیگیر کارگران ایران بود که به علت سابقه کارش در کارخانه «هیلمن» صادر کننده پیکان در دهه ۷۰ به ایران . پیوسته فعل و انفعالات در کارخانه ایران ناسیونال و بعدها ایران خودرو را دنبال میکرد و در حمایت از کارگران ایران علیه خصوصی سازیها و بیکارسازیها فعالی خستگی ناپذیر بود. پیتر بین در خانواده ای کارگری در کلاید بنک (Red Clydeside) در گلاسکو متولد شد و دوران جوانی را در کارخانه هایی چون سینگر و تالبوت (هیلمن) گذراند. او فعال کارگری بود که به مثابه یک کمونیست پیگیر همیشه بر علیه مواضع سازشکارانه و رفرمیست رهبران اتحادیه های کارگری در اسکاتلند و بریتانیا مبارزه میکرد. انترناسیونالیست پیگیری که مبارزه با کوتاه نظری های بورکراتهای ناسیونالیست. رفرمیست سندیکا های کارگری را جزو افتخارات و وظایف روزمره خود میدانست. در مرحله اعتصاب کارگران هیلمن (تالبوت) در اوایل دهه ۸۰ بر خلاف دیگر رهبران اتحادیه این کارخانه خودرو سازی که تنها به فکر منافع فردی بودند پیتر بین به عواقب سیاسی اجتماعی و بین المللی این بیکارسازیها می اندیشید و پیوسته جویای موقعیت کارگران این شرکت در ایران بود. چرا که بر خلاف اکثر رهبران اتحادیه پیتر بین قبل از هر چیز یک مارکسیست انقلابی. متحد بین المللی کارگران بود. فعالیت های سیاسی او در سنین جوانی در ضدیت با پایگاه نظامی اتمی در اسکاتلند و مخالفت با جنگ ویتنام شروع شد و با مخالفت او با جنگ در منطقه خاورمیانه پایان یافت. در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ او مدافع سر سخت شعار «نه به واشنگتن. نه به مسکو ، ضد باد انترناسیونالیسم پرولتری » بود و از اینرو از حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا دفاع میکرد ولی از اوسط دهه ۸۰ به بعد این حزب پاسخگوی دیدگاههای انقلابی اش نبود و از آن جدا شد ولی تا هفته آخر عمرش یک کمونیست خستگی ناپذیر و یک انترناسیونالیست پیگیر باقی ماند. پیتر بین در یک خانواده کارگری پرورستان متولد شده بود . در اسکاتلند معمولاً اعضای چنین خانوادههایی حتی اگر تمایلات اتحادیه ای سندیکایی داشته باشند. رویهم محافظه کار و مدافع رفرمیسم سندیکایی و سیاستهای کلنیالی - امپریالیستی دولت بریتانیا هستند اما این قانون در مورد پیتر بین صدق نمیکرد. او مبارزه علیه امپریالیسم بریتانیا را جزئی جدایی ناپذیر از مبارزه در دفاع از حقوق کارگری میدانست و وقتی فعالین صرفاً سندیکایی مبارزات سیاسی او علیه دخالت نظامی بریتانیا در ایرلند شمالی یا اخیراً در خاورمیانه را بی ربط به مبارزات کارگری میدانستند با عصبانیت به آنها برخورد میکرد و با تأکید بر اصول انترناسیونالیسم پرولتری میکوشید بر این دیدگاههای سازش طلب در جنبش کارگری فائق آید. او مدافع پیگیر «خروج بی قید و شرط ارتش بریتانیا از ایرلند بود» و در تظاهرات در دفاع از جنبش ایرلند پیشاهنگ نیروهای چپ و کمونسیت بود. در ادامه این دیدگاه تعجب آور نبود که در جنگ اخیر در خاورمیانه از مخالفان سرسخت دخالت امپریالیستی باشد اگرچه هیچگاه در دفاع قاطعش از مبارزات کارگران ایران تزلزلی پیش نیامد ، در پی بیکار سازیهای شرکت هیلمن. پیتر بین در سن چهل سالگی به دانشگاه استراسکلاید رفت و پس از اتخاذ لیسانس و درجه دکترا از این دانشگاه در رشته «روابط کار . صنعتی» استاد و پس از آن استاد ارشد در این دانشگاه شد ولی دوره استادی هیچ تغییری در مواضع سیاسی او جز قاطعتر شدن ضدیتش با نظام سرمایه جهانی بیار نیآورد. در دوره کار دانشگاهی فعالیتهای تحقیقی او در تعقیب مبارزات کارگری و دفاع از مبارزات کارگران در بریتانیا و اخیراً هندوستان بود. اتحاد چپ کارگری ایران مرگ این کمونیست انقلابی و با پرنسیپ را به یار زندگی اش فیس. به همه رفقا و یاران مارکسیستش تسلیت میگوید. . راهش پر رهرو باد ، یادش گرامی . یاسمین میظر در میان مقاله های آکادمیک بیشمار او لیست کوتاه زیر نشان دهنده عمق و گسترش کارهای او است. برای مطالعه نیست، به این سایت مراجعه کنید: <http://www.rahekargar.de/>

گزارش فروردین ماه نقض مستمر حقوق بشر در ایران

نهادهای مدافع حقوق بشر!

ایرانیان مدافع حقوق بشر!

در این گزارش بخش بسیار کوچکی از موارد نقض حقوق بشر در ایران را که توسط این شبکه گرد آوری شده است به اطلاع می‌رسانیم:

بین المللی:

- فیلیپ الستون نماینده ویژه سازمان ملل در امر اعدامهای غیر قضایی، صحرایی و خودسرانه گزارشی مبنی بر اعدام کودکان زیر ۱۸ سال در ایران به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه کرده است. در این گزارش با استناد به پذیرش کنوانسیون حقوق کودک از سوی ایران، اعدام نوجوانان غیر قابل قبول خوانده شده است. در این گزارش به ۱۵ نوجوانی اشاره شده که در طول ۲ سال گذشته به اعدام محکوم شده‌اند. از این عده ۹ نفر پسر و ۶ نفر دختر می‌باشند که همگی در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند. (دویچه وله ۸۶/۱۱/۱)

۲ - خاتم بانی دوگال نماینده ارشد جامعه ی بین المللی بهائی در سازمان ملل متحد گفت: "گزارشهای جدید مبنی بر این است که آسیب پذیرترین اعضای جامعه بهائی ایران، یعنی کودکان و نوجوانان مورد آزار و تحقیر قرار می‌گیرند و حداقل در یک مورد با چشمان بسته مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند". وی افزود: "آنها همچنین تحت فشار قرار می‌گیرند که به اسلام بگردند و از آنها می‌خواهند که تهمت‌ها و افتراات معلمین دینی را نسبت به دیانت خود تحمل نمایند". خاتم دوگال گفت: در حالی که حملات صورت گرفته در دبستانها و مدارس راهنمایی در مورد دختران و پسران بهائی یکسان بوده، اما حملات انجام شده در دبیرستان‌ها دختران را بیشتر مورد هدف قرار داده و از ۷۶ مورد بد رفتاری ۶۸ مورد آن علیه دختران بهائی بوده است". نامبرده اعلام کرد: "در یک مدت سی روزه یعنی از نیمه ژانویه تا نیمه فوریه، در حداقل ۱۰ شهر از شهرهای ایران، حدود ۱۵۰ مورد توهین، بدرفتاری و حتی اعمال خشونت بدنی از سوی مسئولین مدارس نسبت به دانش آموزان بهائی گزارش شده است." (سرویس خبری جامعه جهانی بهائی ۸۶/۱۶/۱)

- سازمان دیده بان حقوق بشر با انتشار اطلاعیه ای از دولت سوریه در خواست کرد تا از تحویل دادن ۶ عرب ایرانی پناهنده، به دولت ایران خودداری کند. پنج نفر از این افراد توسط کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به عنوان پناهنده شناخته شده‌اند و همگی در شرایط قانونی در سوریه اقامت دارند. تاکنون ۱۲ نفر از ایرانیان با اصلیت عرب به اتهام برب گداری اعدام شده‌اند. اسامی ۶ زندانی یاد شده به شرح زیر هستند:

- افغان عزیزی ۲۰ ساله دانشجوی مهندسی راه و ساختمان دانشگاه دمشق

- احمد اسدی ۲۸ ساله دانشجوی ادبیات عرب دانشگاه دمشق
- جابر عیاتب ۱۹ ساله دانشجوی جامعه شناسی دانشگاه دمشق
- صلاح الدین هلالی مجد ۲۳ ساله دانشجوی علوم دانشگاه دمشق
- کامل نواصری ۲۷ ساله که مدت ۸ ماه است در سوریه زندگی می‌کند
- علی بوزار ۲۴ ساله در ایران توسط دادگاه انقلاب محکوم به اعدام شده است و از ماه دسامبر در سوریه زندگی می‌کند. (سازمان دیده بان حقوق بشر ۸۶/۱۶/۱)

اخبار جنبش دانشجویی:

4 - پیمان عارف دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران که در فروردین ماه سال گذشته توسط کمیسیون گزینش وزارت علوم رد صلاحیت شده و به دستور آیت الله عباسعلی عمید زنجانی رئیس دانشگاه تهران اخراج گردیده بود، به حکم دیوان عدالت اداری حکم اخراج وی لغو گردید. ولی بدستور رئیس دانشگاه، انتظامات مانع ورود نامبرده به دانشگاه شد. (کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر ۸۶/۱۲/۳)

5 - بیژن صباغ عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران توسط مامورین امنیتی لباس شخصی بازداشت شد. دانشجویان دانشگاه مازندران حول خواسته‌های زیر اعصاب غذا کرده‌اند. الف: آزادی بیژن صباغ، ب: لغو احکام محرومیت از تحصیل دانشجویان، ب: ممانعت از احضار دانشجویان به کمیته انضباطی، ت: آغاز به کار کانونها و تشکلهای دانشجویی که تعلیق شده‌اند. ث: برگزاری جلسه پرسش و پاسخ با مسئولان دانشگاه و حراست دانشگاه. (ایلنا ۸۶/۲۵/۱)

بازداشت دانشجویان:

6 - محمد رضا آرمند دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ به اتهام فعالیت سیاسی توسط نیروهای امنیتی در کرمانشاه بازداشت شد. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۲۵/۱)

۷ - کمال برزی و ارسلان آرمندیان دانشجویان رشته عمران دانشگاه آزاد تبریز توسط مامورین اداره اطلاعات مراغه بازداشت شدند. (ویلاگ حق ۸۶/۲۴/۱)

8 - بدنبال بازداشت بیژن صباغ عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران، دانشجویان دست به تجمع اعتراضی زده و ۳ نفر اعصاب غذا کردند. نیروهای امنیتی لباس شخصی با حمله به تجمع دانشجویان ۱۵ نفر از آنان را بازداشت کردند. اسامی بازداشت شدگان به شرح زیر است: سعید یعقوبی نژاد، عمید شریف زاده، سید مهدی شریف النبی، سید ضیاء نبوی، علی تقی پور، علیرضا کلارستانی نژاد، جواد میر شفیعی، هومن شریفی، رامین اجرونی، سیاوش سلیمی، علی کیایی و نجات الله افشار. (ایلنا ۸۶/۲۷/۱) این دانشجویان با شکایت دانشگاه، رئیس دانشگاه و مدعی العموم بازداشت شدند. ۵ نفر از دانشجویان هرکدام با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شدند و ۹ نفر با ضمانت آزاد شدند. دانشجویان آزاد شده حق رفتن به دانشگاه و یا خوابگاه را ندارند. سید ضیاء نبوی همچنان در بازداشت بسر می‌برد.

9- سه تن از دانشجویان دانشگاه مازندران در بابلسر، ساری و محمود آباد توسط نیروهای امنیتی بطور موقت بازداشت شدند.

دانشجویان: احضار و بازجویی

10 - سه نفر از دانشجویان دانشگاه بیرجند به کمیته انضباطی احضار شدند. (ایسنا ۸۶/۲۱/۱)

11 - زهرا صفری، نجمه نور بخش، وهاب ندیمی و محسن ابراهیمی دانشجویان دانشگاه ملایر به علت شرکت در تجمع دانشجویی جهت بازجویی به کمیته انضباطی احضار شدند. (ایسنا ۸۶/۲۲/۱)

۱۲ - سارا خادمی، آرش پاکزاد، نیما باطنی، حدیث ظاهر، میلاد معینی، حامد محمدی و صادق حکیم زاده دانشجویان دانشگاه مازندران به علت شرکت در مراسم روز دانشجو به کمیته انضباطی احضار شدند. (ادوار نیوز ۸۶/۲۵/۱)

۱۳ - علی نیکو نسبتی عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت جهت بازجویی عمومی و انقلاب سبزوار احضار شد. (ایلنا ۸۶/۲۵/۱)

۱۴ - مسعود خیراتی سخنگوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز با شکایت محمد هادی ایمانیه رئیس دانشگاه جهت بازجویی به کمیته انضباطی احضار شد. (ایلنا ۸۶/۱۲/۲۸)

14. حامد ایرانیشاهی فعال جنبش دانشجویی به اتهام توهین به برخی نهادها و اقدام علیه امنیت ملی جهت بازجویی به شعبه ۱۰۱ دادسرای جزایی اراک احضار شد. (ایسنا ۸۶/۱۲/۲۸)

۱۶ - محمد هاشمی عضو شورای مرکزی و دبیر تشکیلات دفتر تحکیم وحدت جهت بازجویی به شعبه اول دادگاه عمومی و انقلاب شهرستان سبزوار احضار شد. (ایلنا ۸۶/۲۹/۱)

دانشجویان: ممانعت از تحصیل

۱۷ - فرخ مرادی اهل بانه، دانشجوی حقوق جزا و جرم شناسی از دانشگاه تهران اخراج و از ادامه تحصیل محروم شد. همین احدی اثر اهل نقده دانشجوی رشته ماشین آلات صنعتی از تحصیل در دانشگاه قاضی طباطبایی محروم شد. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۲۷/۱)

دانشجویان: احکام صادر شده

۱۸ - سید رحیم حسینی دانشجوی دانشگاه یزد و مدیر مسئول نشریه دانشجویی "بیان آزاد" به اتهام شرکت در تجمع دانشجویی و اعتراض نسبت به وضعیت صنفی دانشگاه در کمیته انضباطی به یک ترم تعلیق از تحصیل بدون احتساب سنوات محکوم شد. (ایسنا ۸۶/۱۱/۱۸)

۱۹ - سعید یعقوبی نژاد، بیژن صباغ و سید ضیاء نبوی دانشجویان دانشگاه مازندران در جلسه تجدید نظر کمیته انضباطی به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شدند. (ایسنا ۸۶/۲۱/۱)

۲۰ - یوسف محمدی و مسلم ابراهیمی دانشجویان دانشگاه بیرجند به اتهام عدم رعایت شئونات دانشجویان و برهم زدن نظم دانشگاه در کمیته انضباطی به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شدند. (ایسنا ۸۶/۲۱/۱)

۲۱ - بابک زمانیان مسئول روابط عمومی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر به اتهام برگزاری جشن در صحن دانشگاه به مناسبت آغاز ترم جدید تحصیلی در کمیته انضباطی به دو ترم محرومیت از تحصیل با احتساب سنوات محکوم شد. ورود وی به دانشگاه ممنوع اعلام گردید. (ایلنا ۸۶/۲۴/۱)

توقیف نشریات دانشجویی:

۲۲ - مجوز انتشار نشریه دانشجویی "فروغ" به مدیر مسئولی محمد رضا تاج فیروز بدستور شورای نظارت بر نشریات دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی لغو گردید. نامبرده در کمیته انضباطی به تذکر کتبی و درج در پرونده محکوم شد. (ایسنا ۸۶/۲۲/۱)

جلوگیری از فعالیت تشکلهای دانشجویی:

۲۳ - هیات نظارت بر تشکل های دانشجویی مجوز فعالیت "جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان" را لغو کرد. (ایلنا ۸۶/۲۰/۱)

اخبار مطبوعات:

۲۴ - انجمن صنفی روزنامه نگاران گزارشی از وضعیت مطبوعات و روزنامه نگاران در سال ۱۳۸۵ را به این شرح منتشر کرد: روزنامه های توقیف شده ۴ مورد، هفته نامه ها و ماهنامه توقیف شده ۲۰ مورد، هفته نامه های لغو امتیاز شده به بهانه ابتدال ۱۶ مورد روزنامه نگارانی که شب عید نوروز در زندان بود ۷ نفر

روزنامه نگارانی که از چند روز تا چند ماه توسط نهادهای حکومتی بازداشت شده اند ۵۰ نفر، احضار و بازجویی روزنامه نگاران ۴۶ نفر همچنین در این گزارش اعلام شده روزنامه نگاران استان کردستان بیش از هر جای دیگر در طی سال ۸۵ بازداشت و با فشار مواجه شدند. محمد حسین صفار هردی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به کرات از روزنامه نگاران خواسته تا با خود سانسوری و اطلاع کارهای خود به وزارت اطلاعات سعی کنند، از احضار و بازجویی خود جلوگیری کنند. در سال ۸۵ هیئت نظارت بر مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز اصلی برخورد با مطبوعات گزارش شده است. (انجمن صنفی روزنامه نگاران ۸۶/۹/۱)

بازداشت روزنامه نگاران :

۲۵ - ابوالفضل عابدینی خبرنگار سابق نشریه "عصر کارون" توسط مامورین وزارت اطلاعات بازداشت شد. نامبرده در سال ۸۴ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، اهانت به مسئولین نظام و توسط اطلاعات سپاه پاسداران برای مدت ۵ ماه زندان بود و سپس با قرار وثیقه آزاد شد. (فعالان حقوق بشر در ایران ۸۶/۱۹/۱)

۲۶ - پرتاز (نازی) عظیمی خبرنگار رادیو آزادی که جهت ملاقات با یکی از بستگان بیمارش به ایران سفر کرده بود، از ۵ بهمن ماه ۸۵ ممنوع الخروج شده است. مقامهای رسمی امنیتی از وی خواسته اند تا با سرویس اطلاعاتی و امنیتی ایران همکاری کند. (رادیو فردا ۸۶/۲۵/۱)

مطبوعات: احضار روزنامه نگاران

۲۷ - اجال قوامی، تونیا کیودوند و کاوه حسین پناهی از اعضای هیئت تحریریه هفته نامه توقیف شده "پیام مردم کردستان" به اتهام نشر مطالب الحادی، نشر مطالب خلاف واقع و جوسازی رسانه ای جهت محاکمه به شعبه اول دادگاه حقوقی سنندج احضار شدند. (ایلنا ۸۶/۱۴/۱)

۲۸ - مدیران مسئول نشریات "تهران امروز"، "تاک"، "آبادی" و "اندیشه ورزش" جهت محاکمه به شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران احضار شدند. (ایسنا ۸۶/۱۴/۱)

۲۹ - هوشمند سفیدی مدیر مسئول روزنامه "آرمان" به اتهام نشر مطالب خلاف واقع با شکایت مدعی العموم جهت بازجویی به شعبه سوم دادرسی کارکنان دولت احضار شد. (ایسنا ۸۶/۱۵/۱)

۳۰ - برهان لهنوی مسئول و بهرام ولد بیگی سر دبیر هفته نامه توقیف شده "ناشتی" به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و اقدام علیه امنیت ملی با شکایت مدعی العموم، سپاه پاسداران، اداره اطلاعات استان کردستان، فرماندهی بسیج کردستان و قرار گاه شهید شهرام فر جهت محاکمه به شعبه دوم دادگاه کیفری استان احضار شدند. (ایلنا ۸۶/۱۸/۱)

۳۱ - علی صالح آبادی مدیر مسئول روزنامه "همبستگی" به دلایل نامعلوم با شکایت پلیس راهنمایی و رانندگی جهت بازجویی به شعبه سوم دادرسی کارکنان دولت احضار شد. (ایلنا ۸۶/۲۲/۱)

مطبوعات: محاکمه روزنامه نگاران

۳۲ - محمد رضا خاتمی مدیر مسئول روزنامه توقیف شده "مشارکت" به اتهام تبلیغ علیه نظام، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و افترا با شکایت مدعی العموم، ستاد مشترک سپاه پاسداران، شورای نگهبان و بسیج در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی حسین حسینیان محاکمه شد. (ایسنا ۸۶/۱۹/۱)

مطبوعات: احکام صادر شده توسط دادگاه ها

۳۳ - الیاس حضرتی مدیر مسئول روزنامه "اعتماد" به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با شکایت کاتوزیان نامیده مجلس هفتم در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران به پرداخت ۳۰۰۰۰۰ تومان جزای نقدی محکوم شد. (ایلنا ۸۶/۲۷/۱)

۳۴ - بدستور اداره کل روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری خبرنگار خبرگزاری ایلنا حق حضو در نشست خبری احمدی نژاد را ندارد. (ادوار نیوز ۸۶/۱۵/۱)

۳۵ - هاشمی دبیر کل سازمان معلمان ایران گفت: برای هریک از ۶ عضو کانون صنفی معلمان مبلغ ۳۰ میلیون تومان قرار وثیقه صادر شد. برای هریک از ۳ عضو سازمان معلمان به دلیل انتشار سوالات آزمون فرهنگیان مبلغ ۵۰ میلیون تومان قرار وثیقه صادر شد. با تامین قرار وثیقه معلمان بازداشتی موقتاً آزاد شدند. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۳۶ - غلامحسین محسنی اژه ای در مراسم تودیع مدیر کل استان قزوین جنبش زنان و جنبش دانشجویان را براندازی فرم اعلام کرد. (ایسنا ۸۶/۲۲/۱)

۳۷ - شیخ لو معاون دادستان مهاباد به شیر کو جهانی عضو سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان اعلام کرده است، به دلیل داشتن سه بار سابقه زندان سیاسی، جهت اشتغال در بازار کار گواهی عدم سوء پیشینه برای وی صادر نخواهد کرد. دادگاه انقلاب مهاباد نامبرده را حتی برای تصدی شغل آزاد از حقوق اجتماعی و کار محروم نموده است. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱۲/۳)

۳۸ - آیت الله حسین علی منتظری گفت: در سال گذشته تعدادی از

علاقه‌مندان، شاگردان و منصوبان وی به دادگاهها احضار شده اند. جرایم حق انتشار نظرات نامبرده را ندارند. چاپ کتابهای علمی و مذهبی او هم در مواردی دچار اشکال و بهانه جویی می شود. حسینیه شهید، دفتر اصفهان و دفتر مشهد آقای منتظری، در دست نیروی امنیتی و دادگاه ویژه روحانیت می باشد و پس از سالها باز پس داده نشده اند. (روز ۸۶/۲۷/۱)

احضار فعالین سیاسی، فرهنگی و اجتماعی :

۳۹ - چند تن از فرهنگیان سنندج که در تجمع روز ۲۸ اسفند فرهنگیان شرکت کرده بودند، جهت بازجویی به اداره حراست آموزش و پرورش استان کردستان احضار شدند. (ویلاگ موکریان ۸۶/۲۰/۱)

۴۰ - ماموران امنیتی با مراجعه به منزل سید محمود باقری، صفر منتجبی و محمد رضا رضایی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران، منزل نامبرندگان را مورد بازجویی قرار داده و از آنها خواسته اند که جهت بازجویی خود را به دادگاه انقلاب معرفی نمایند. (اعتماد ۸۶/۲۱/۱)

۴۱ - مهندس کورش زعیم عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران به اتهام اقدام علیه امنیت ملی جهت محاکمه به شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب تهران احضار شد. (ایسنا ۸۶/۲۹/۱)

بازجویی فعالین سیاسی، فرهنگی، اجتماعی :

۴۲ - مصطفی دانشجو از وکلای درویش گنابادی قم، با شکایت اداره اطلاعات شهرستان درود در شعبه ۱۱ دادرسی کرج مورد بازجویی قرار گرفت و با قرار کفالت ۳ میلیون تومانی آزاد شد. (ایلنا ۸۶/۱۸/۱)

دستگیری فعالین سیاسی فرهنگی و اجتماعی :

۴۳ - ادریس خلیقی از فعالان ادبی شهر مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. (ویلاگ موکریان ۸۶/۱/۱۳)

۴۴ - غلامحسین محسنی اژه ای وزیر اطلاعات اعلام کرد: عده ای را که در صدد برهم زدن انسجام و وحدت کشور بوده اند شناسایی و دستگیر کرده اند. (ایسنا ۸۶/۱/۱۸)

۴۵ - کیومرث محمدی ۲۵ ساله و نادر محمدی ۲۸ ساله اهل سنندج ۴۰ روز پیش توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۸)

۴۶ - حدود ۴۵ نفر از فرهنگیان فعال در کانون فرهنگیان استان همدان در جلسه کانون و یا منازل خود توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. اسامی تعدادی از معلمین بازداشت شده عبارتند از: نادر قدیمی، زارعی، نجفی، فروزانفر، جلیلیان، رفاهیت، نادری، پیر تاج، جباری، آزمنند و غلامی. خانواده های فرهنگیان بازداشت شده به همراه تعدادی از معلمان در مقابل اداره آموزش و پرورش همدان تجمع کرده و خواستار آزادی دستگیر شدگان بودند. (ادوار نیوز ۸۶/۲۰/۱)

۴۷ - اکبر عابدی معاون سیاسی - امنیتی استاندار همدان گفت: در روزهای اخیر نیروی انتظامی با کسب مجوز و هماهنگی با مراجع قضایی ۳۹ نفر از معلمان را که در کانون صنفی معلمان تجمع کرده بودند، بازداشت کردند. وی یاد آور شد: اگر مطالبات صنفی معلمان در راستای اهداف دشمنان انقلاب قرار گیرد، با شدت با آن برخورد خواهیم کرد. (ایلنا ۸۶/۲۲/۱)

۴۸ - منصور فقیهی که در سال گذشته به اتهام تصادف بازداشت شده بود، در زندان به اتهام جدید "همکاری با یکی از احزاب مخالف" روبرو گردیده است و از دو هفته پیش توسط نیروهای امنیتی از زندان مهاباد به مکان نامعلومی منتقل شده است. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۲۵/۱)

۴۹ - علی اکبر باغانی دبیر کل کانون صنفی معلمان توسط ماموران امنیتی لباس شخصی در مدرسه راهنمایی "رشد" واقع در منطقه هفت تهران دستگیر شد. همچنین حمید پور وثوق، سید محمود باقری، محمد تقی فلاحتی، علی اصغر منتجبی، محمد رضا رضایی و علی اکبر نبی، سایر اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند. یکی از معلمان کرج بنام اسدی به دادگاه احضار شد. در حمایت از خواستهای معلمان در مناطق غرب کشور و اسلامشهر در روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین تعدادی از معلمان اعصاب کرده و از شرکت در کلاسهای درس خودداری کردند. (ایلنا ۸۶/۲۷/۱)

۵۰ - محمد شفیع خاتزاده ۱۶ ساله به اتهام فعالیت سیاسی توسط اداره اطلاعات شهرستان اشنویه بازداشت شد. (فعالان حقوق بشر در ایران ۸۶/۱/۲۸)

۵۱ - مهدی باغبان بفروری دانشجوی کارشناسی برق دانشگاه کرج، امیر باغبان بفروری دانشجوی کارشناسی ساختمان دانشگاه کرج، محمد جعفری، رضا حیدری و یوسف اسفندیاری از اعضای "جبهه اتحاد ملی و میهنی" توسط مامورین اداره اطلاعات در شهرستان شاهدشت دستگیر شدند. (فعالان حقوق بشر در ایران ۸۶/۳۰/۱)

۵۲ - یعقوب یادعلی نویسنده کتابهای "اداب بی قراری"، "حالت ها در حیات" و "احتمال پرسه و شوخی" به اتهام توهین، افترا و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از روز ۲۴ اسفند ۸۵ بدستور دادرسی عمومی و انقلاب یاسوج بازداشت شده است. (ایسنا ۸۶/۳۱/۱)

محاکمه فعالین سیاسی فرهنگی و اجتماعی :

و از ۴ ماه پیش در زندان بسر می برد، در کفر خواست جدید به اتهام همکاری با گروههای ضد دولتی و محاربه با نظام جمهوری اسلامی در شعبه دوم دادگاه انقلاب سندج محاکمه خواهد شد.

(سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۱۳)

۶۸ - فهیمه اسماعیلی به علت عدم معرفی همسرش که از متهمین پرونده بمب گذاریهای اهواز می باشد، در دادگاه انقلاب اهواز به ۱۵ سال زندان محکوم شده است. این فرهنگی حدود یک سال پیش فرزند خود را در زندان بنیاد آورد. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۶۹ - "ع - ش" که به اتهام افشای اسرار، تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی در دادگاه به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شده بود، در دادگاه تجدید نظر مدت محکومیت وی به ۲۵ ماه کاهش یافت، ولی با اعتراض سعید مرتضوی دادستان تهران، حکم ۱۰ سال حبس او ابقاء شد. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۷۰ - هادی حمیدی دانشجوی اهل تبریز، ساکن ارومیه از خرداد ماه سال ۸۵ در بند ویژه اداره کل اطلاعات آذربایجان غربی در بازداشت بسر می برد. (ویلاگ حق ۸۶/۱۶/۱)

۷۱ - عدنان حسن پور عضو شورای نویسندگان هفته نامه توقیف شده "اسو" و منصور تیغوری عضو انجمن روزنامه نگاران از بازداشتگاه اداره اطلاعات سندج به زندان مریوان منتقل گردیدند. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱۹/۱)

۷۲ - خلیل بهرامیان وکیل مدافع خالد هردانی اعلام کرد: موکلش در زندان رجایی شهر اعتصاب غذا کرده است. سهراب سلیمانی مدیر کل زندانهای استان تهران گفت: خالد هردانی تا به حال چندین بار اعتصابش را شکسته است. (ایسنا ۸۶/۲۲/۱)

۷۳ - آیت الله سید محمد کاظمینی بروجدی، علیرضا منتظر صاحب، مجید آستئی، علی ده هجده و حبیب قوتی بدون برخورداری از حق داشتن وکیل در زندان تحت انواع شکنجه های روحی و جسمی قرار دارند. آقای کاظمینی بروجدی از حق ملاقات و استفاده از تلفن محروم می باشد. (ویلاگ بام آزادی ۸۶/۲۲/۱)

۷۴ - خالد شیخ زاده از اهالی مهاباد ۴۰ ساله به اتهام داشتن اسلحه به حکم قاضی "هاشم زاده" به ۱۱ سال زندان محکوم شده بود. نامبرده اکنون ۱۱ سال و ۳ ماه است که در زندان بسر می برد. لازم به یادآوری است وی در دهه ۶۰ به اتهام همکاری با یک حزب مخالف دولت به اعدام محکوم شده بود، حکم او با یک درجه تخفیف به حبس ابد تقلیل یافت و پس از چند سال به علت بیماری روانی از زندان آزاد شد.

(سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۲۳)

۷۵ - سهراب سلیمانی مدیر کل زندانهای استان تهران گفت: سید محمود باقری، علی اصغر منجیبی و محمد تقی فلاحتی عضو کانون صنفی معلمان و از متهمین پرونده تجمع معلمان در مقابل مجلس شورای اسلامی در زندان اوین ممنوع الملاقات هستند. (ایسنا ۸۶/۱/۲۸)

اخبار فعالان جنبش زنان :

۷۶ - سارا امینیان و همسرش، ناهید کشاورز، محبوبه حسین زاده و سعیده امین که برای جمع آوری اعضای کمپین یک میلیون امضا در جهت مقابله با قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، در پارک لاله تهران جمع شده بودند. توسط ماموران نیروی انتظامی بازداشت و به اداره امکان ناجا منتقل شدند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۳)

احضار فعالان جنبش زنان :

۷۷ - دلارام علی فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع میدان هفت تیر در خرداد ۸۵ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی جهت محاکمه به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران احضار شد. (ایلنا ۸۶/۲۰/۱)

۷۸ - زینب پیغمبر زاده، ناهید جعفری، فرناز سیفی، سارا لقمانی، جلوه جواهری و ژیلای بی یعقوب از فعالان جنبش زنان بصورت تلفنی به دادگاه انقلاب تهران احضار شدند. این فعالان توسط دایره ویژه امنیت تهدید به بازداشت شده اند. (کانون زنان ایرانی ۸۶/۲۱/۱)

۷۹ - آسیه امینی روزنامه نگار فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ جهت بازجویی به شعبه امنیت دادرسی انقلاب تهران احضار شد. (میدان زنان ۸۶/۲۲/۱)

۸۰ - رضوان مقدم فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ جهت بازجویی به شعبه ویژه امنیت دادگاه انقلاب تهران احضار شد. (ایسنا ۸۶/۲۴/۱)

۸۱ - نوشین احمدی خراسانی از فعالان جنبش زنان، ژیلای بی یعقوب، سارا لقمانی، سوسن طهماسبی و جلوه جواهری از بازداشت شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ به دادگاه شعبه امنیت احضار شدند. (زنتان ۸۶/۲۶/۱)

۸۲ - مریم ضیاء از فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع ۲۲ خرداد ۸۵ جهت محاکمه به شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب تهران احضار شد. (ایلنا ۸۶/۲۶/۱)

۸۳ - مریم میرزا از فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی جهت بازجویی به شعبه ویژه امنیت دادرسی انقلاب

۵۳ - فاطمه حقیقت جو نماینده تهران در دروره ششم مجلس شورای اسلامی به اتهام افتراء، توهین و نشر اکاذیب با شکایت سپاه پاسداران در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی محمد رضا صرامی بصورت غیابی محاکمه شد. (ایلنا ۸۶/۲۱/۱)

۵۴ - مصطفی تاج زاده معاون سیاسی وزارت کشور در دولت خاتمی به اتهام تهمت، افتراء و هجو با شکایت آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان و مدعی العموم در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی حسین حسینیان محاکمه شد. (ایلنا ۸۶/۲۶/۱)

۵۵ - کاوه همپوش دانشجوی رشته هنر و عضو "بنیاد کایوان" به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام در شعبه ششم دادگاه انقلاب به ۶ ماه زندان محکوم شد و در بند ۷ زندان اوین بسر می برد. (انجمن زندانیان سیاسی ۸۶/۱/۱)

۵۶ - زینب بایزیدی عضو سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان به اتهام نشر اکاذیب، تبلیغ علیه نظام اسلامی و تردد غیر مجاز در شعبه دوم دادگاه انقلاب مهاباد به ۶ ماه حبس تعلیقی محکوم شد. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱۷/۱)

۵۷ - سوران مهر شاد، عدنان احمدی، محمد علی محمدی، پوریا دل پسند و فایق نوالفقاری به اتهام فعالیت سیاسی و ارتباط به زندان و تبعید محکوم شدند. احکام صادره برای آنان به شرح زیر می باشد: سوران مهر شاد به ۵ سال حبس و تبعید به زندان زنجان، عدنان احمدی به ۲ سال حبس و تبعید به زندان زنجان، محمد علی محمدی به یکسال حبس و تبعید به زندان زنجان، پوریا دل پسند به یکسال حبس و تبعید به زندان مهاباد و فایق نوالفقاری به ۲ ماه حبس محکوم گردید. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱۲/۱)

۵۸ - آرام نصرت پور دانشجو، جهاندار محمدی، مختارمحمدی، جهانبخش محمدی و جهانگیر محمدی به اتهام فعالیت سیاسی در دادگاه انقلاب سندج محکوم به زندان شدند. احکام صادره به این شرح می باشد: آرام نصرت پور ۷ سال، جهاندار محمدی ۱۶ سال، مختار محمدی ۵ سال، جهانبخش محمدی ۵ سال و جهانگیر محمدی ۳ سال. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱۷/۱)

۵۹ - فریبرز غفاری به اتهام فعالیت سیاسی در دادگاه سندج به ۶ ماه زندان محکوم شد. وی از اسفند ماه در بازداشت می باشد. همچنین کمال حبیبی بیش از ۵۰ روز است که در بازداشت بسر می برد. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۱۸)

۶۰ - منصور جدی زاده به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و ارتباط با عناصر ضد انقلاب در شعبه دوم دادگاه انقلاب اهواز به ۲ سال حبس تعلیقی محکوم شد. (ایلنا ۸۶/۱۹/۱)

۶۱ - سعید سلیمانی ۲۵ ساله عضو یک حزب کرد مخالف دولت جمهوری اسلامی، در دادگاه انقلاب به ۳۳ سال حبس و تبعید به زندان سمنان محکوم شد. نامبرده ۳ ماه پیش دستگیر شد و اخیرا پس از صدور حکم به زندان سمنان منتقل گردید. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۲۳)

۶۲ - قاسم شعله سعیدی وکیل دادگستری به اتهام تبلیغ علیه نظام و توهین در شعبه ۲۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران به یکسال و نیم حبس تعزیری محکوم شد. (ایلنا ۸۶/۲۶/۱)

۶۳ - جعفر قلیخانلو و حیدر قلیخانلو میلان از اهالی شهرک "شوط" از توابع شهرستان ماکو به اتهام ایجاد اختلال و امنیت در دادگاه محکوم به ۶ ماه زندان شدند و پنج نفر به اتهام همکاری با احزاب کرد توسط سپاه پاسداران بازداشت شدند. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۲۸)

اخبار مربوط به زندانیان سیاسی :

۶۴ - محمد صالح حسینی ۷۰ ساله اهل روستای "گزان علیا" از توابع دیواندره، به اتهام ارتباط با احزاب کرد در دادگاه انقلاب سندج به ۱۰ سال زندان محکوم شده و از ۷ سال پیش در زندان بسر می برد. لازم به یاد آوری است که یکی از فرزندان وی بنام فریدون حسینی در جریان کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان اوین تهران اعدام شد و محل دفن وی نامشخص می باشد. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۶/۱)

۶۵ - یاسر ابراهیمی اهل پاوه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی در دادگاه انقلاب کرمانشاه به ۱۲ سال زندان محکوم گردید. نامبرده از ۲ سال پیش در زندان بسر می برد. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۸)

۶۶ - هاشم شاهین نیا از زندانیان سیاسی زندان اوین در اعتراض به عدم رعایت اصل تفکیک جرایم و انتقال غیر موجه خود به بند اشرار، دست به اعتصاب غذا زده است. وی در سال ۷۸ به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران به دو سال و نیم زندان محکوم شده بود، نامبرده در سال ۸۱ به ۵ سال زندان محکوم گردید. (کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر ۸۶/۱/۱۳)

۶۷ - کاوه جوانمرد روزنامه نگار نشریه توقیف شده "کرفتو" که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به ۲ سال زندان محکوم شده

تهران - غلامرضا محمدی دبیر اجرایی خانه کارگر شهرستان طیس گفت: بیش از ۹۰۰ کارگر شاغل در ۱۲ شرکت خدماتی پیمانکاری شهرستان طیس مدت ۳ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. این کارگران در شهرداری، راه و ترابری، بیمارستان و دیگر مراکز دولتی طیس اشتغال بکار دارند. (ایلنا ۸۶/۱۴/۱)

۸۴ - مرضیه مرتاضی لنگرودی از فعال جنبش زنان و عضو انجمن دفاع از حقوق زندانیان و از بازداشت شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال جهت بازجویی به شعبه ویژه امنیت داسرای انقلاب تهران احضار شد. (ایلنا ۸۶/۱/۲۸)

۸۵ - شهلا انتصاری، فریده انتصاری، ناهید انتصاری، نوشین احمدی، پروین اردلان، نسرين افضلی و مریم میرزا از فعالان جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ جهت بازجویی به شعبه ویژه امنیت داسرای تهران احضار شدند. (ایسنا ۸۶/۱/۲۸)

احکام صادره در مورد فعالان جنبش زنان :

۸۶ - آزاده فرقانی دانشجوی دانشگاه تهران و فعال جنبش زنان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تجمع ۲۲ خرداد در ۸۵ دادگاه انقلاب تهران به دو سال حبس تعلیقی محکوم شد. (ایلنا ۸۶/۲۲/۱)

۸۷ - سوسن طهماسب فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع ۲۲ خرداد ۸۵ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی در شعبه ششم دادگاه انقلاب تهران به ۶ ماه حبس تعزیری و یکسال و نیم حبس تعلیقی محکوم شد. (ایلنا ۸۶/۲۹/۱)

۸۸ - فریبا داودی مهاجر فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع ۲۲ خرداد ۸۵ به اتهام اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم در شعبه ششم دادگاه انقلاب تهران به یکسال حبس تعزیری و ۳ سال حبس تعلیقی محکوم گردید. (ایسنا ۸۶/۲۹/۱)

بازجویی فعالان جنبش زنان :

۸۹ - ساهر لقمایی، ساقی لقمایی و پرستو دو کوهی از فعالان جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ در معاونت داسرا مورد بازجویی قرار گرفتند. بازپرس پرونده به خانم فریده غیرت بعنوان وکیل نامبرندگان اجازه حضور در جلسه بازجویی را نداد. (ایسنا ۸۶/۲۰/۱)

۹۰ - مارال فرخی فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع هشتم مارس مقابل مجلس شورای اسلامی در شعبه ویژه امنیت دادگاه انقلاب مورد بازجویی قرار گرفت. (ایلنا ۸۶/۲۴/۱)

۹۱ - آزاده فرقانی فعال جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ در شعبه ۱۴ بازپرسی داسرای انقلاب مورد بازجویی قرار گرفت. (ایلنا ۸۶/۲۶/۱)

۹۲ - ناهید کنشورز و محبوبه حسین زاده از فعالان جنبش زنان که هنگام جمع آوری امضاء برای کمپین "یک میلیون امضاء جهت مقابله با قوانین تبعیض آمیز علیه زنان" بازداشت شده بودند، پس از ۱۳ روز هریک با قرار وثیقه ۲۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند. (ایلنا ۸۶/۲۷/۱)

۹۳ - ناهید هدایت عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، مسنول کمیسیون زنان و دبیر کمیته حقوق بشر تشکل فوق الذکر و از بازداشت شدگان تجمع ۲۲ خرداد ۸۵ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، شرکت در تجمع غیر قانونی و برهم زدن امنیت عمومی در شعبه ششم دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. (ایسنا ۸۶/۲۹/۱)

۹۴ - شیرین اردلان، زارا امجدیان و الناز نصرتی از فعالان جنبش زنان و از بازداشت شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در ۱۳ اسفند ۸۵ به اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی، اخلال در نظم عمومی و تخریب از دستور ماموران در شعبه ویژه امنیت داسرای انقلاب تهران مورد بازجویی قرار گرفتند. (ایلنا ۸۶/۲۹/۱)

۹۵ - نسیم سربانندی و فاطمه دهنشتی دانشجویان دانشگاه تهران و از فعالان کمپین یک میلیون امضاء به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام در پلیس امنیت واقع در میدان عشرت آباد و در شعبه ویژه امنیت دادگاه انقلاب مورد بازجویی قرار گرفتند. (وبلا گتغییر برای برابری ۸۶/۳۱/۱)

اخبار کارگری :

۹۶ - بیش از ۳۵ کارگر فضای سبز مستقر در پارک شهر تهران بیش از یک ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. این کارگران در ازای ۹ ساعت کار مستمر ماهیانه ۱۴۰ هزار تومان حقوق دریافت می کنند. این کارگران حق استفاده از مرخصی در روزهای تعطیل را ندارند و به اجبار کارفرما بدون استناد در تمامی روزها باید بر سر کارشان حاضر باشند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۳)

۹۷ - اکبر باقری عضو خانه کارگر در شرکت "ایران ارتباط" شهری گفت: ۸۰ کارگر این شرکت ۲ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. کارفرمای این شرکت، کارگران رسمی را مجبور به عقد قرار داد موقت کرده است. (ایلنا ۸۶/۱/۱۳)

۹۸ - عین الله عبادی عضو شورای اسلامی کار شرکت صنایع پوشش رشت گفت: کارگران این واحد تولیدی حقوق اسفند ماه خود را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱۴/۱)

۱۰۰ - میر علی شیر افکن عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان مازندران گفت: ۱۰۰ کارگر شرکت "فرش البرز" مازندران حدود یکسال است که حقوق دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱۴/۱)

۱۰۱ - بیش از بیست کارگر فضای سبز ناحیه ۳ منطقه ۱۱ شهرداری تهران ۲ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱۴/۱)

۱۰۲ - قدیر سواعدی رئیس شورای اسلامی کار کارخانه لوله سازی خوزستان گفت: ۲۵۰ کارگر قرار دادی این کارخانه عیدی و سه ماه حقوق دریافت نکرده اند. همچنین ۵۰۰ کارگر رسمی این کارخانه یک ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱۴/۱)

۱۰۳ - علی ترکاشوند دبیر اجرایی خانه کارگر شهر ری گفت: شرکت "تهران کمیکال" تعطیل و ۴۰ کارگر این شرکت بیکار شدند. کارگران به اداره کار ورامین مراجعه کردند ولی اداره کار از دریافت شکایت کارگران خود داری می کند. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۱۰۴ - مجید احمدی گودینی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان کرمانشاه گفت: اداره پست کرمانشاه ۲۵ کارگر با سابقه ۷ سال از کار اخراج کرد. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۱۰۵ - ۶۲۰ کارگر معدن سنگرود حقوق اسفند، عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده اند. در ضمن این کارگران ۱۷ ماه حقوق از سال ۸۴ و ۸۵ طلبکار هستند. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۱۰۶ - کریم صادق زاده دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز گفت: جمعی از کارگران شرکتهای خدماتی و پیمانکاری شهرداری منطقه یک تبریز با ۵ سال سابقه از کار اخراج شدند. این کارگران حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۱۰۷ - شاتزده کارگر خدماتی مستقر در ماشین های جمع آوری زباله در منطقه سه شهرداری اصفهان حقوق اسفندماه خود را دریافت نکرده اند. این کارگران از ساعت ۹ شب تا ۴ صبح کار می کنند و حق استفاده از مرخصی قانونی را ندارند. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۱۰۸ - هوشنگ درویشی رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان خوزستان گفت: کارخانه تند نزفول از ۳ سال پیش تعطیل و ۲۰۰ کارگر این واحد شغل خود را از دست دادند. تعدادی از کارگران بدون دریافت حقوق به عنوان نگهدارنده کارخانه مشغول بکار هستند. وی واردات بی رویه شکر را یکی از دلایل بحران تعطیلی کارخانه معرفی کرد. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۱۰۹ - مرتضی پاکزاد عضو کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار مازندران گفت: کارگران شرکت "سیاه بیشه" چالوس از شهریور ۸۵ تاکنون حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۱۱۰ - محمد رضا جعفری عضو خانه کارگر در کارخانه "فولاد گوزین یزد" گفت: ۲۰ کارگر این واحد ۳ ماه حقوق و بن های سالهای ۸۴ و ۸۵ خود را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱۵/۱)

۱۱۱ - محمد رسول پلکانی عضو خانه کارگر تکاب گفت: شرکت "افشرد" منحل و ۶۲ کارگر از کار اخراج شدند. این شرکت زیر مجموعه بنیاد پانزده خرداد بود. (ایلنا ۸۶/۱۷/۱)

۱۱۲ - بدستور کارفرمای گروه صنایع فلزی ۳۰۰ کارگر قرار دادی با سابقه ۱۰ تا ۲۰ سال از کار اخراج شدند. عیدی، پاداش و حقوق ماههای بهمن و اسفند کارگران رسمی شاغل در کارخانه شماره ۲ هنوز پرداخت نشده است. (ایلنا ۸۶/۱۷/۱)

۱۱۳ - مرتضی پاکزاد عضو کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار مازندران گفت: مدیریت هتل رامسر در صدد است که ۵۰۰ کارگر شاغل در این هتل را اخراج کند. این هتل زیر وجموعه بنیاد جانبازان است. (ایلنا ۸۶/۱/۱۸)

۱۱۴ - مصطفی نظری عضو خانه کارگر آبادان گفت: حدود ۱۳۰۰ کارگر شهرداری آبادان بن کارگری سال ۸۴ و ۸۵ و افزایش حقوق پنج و نیم درصدی سال ۸۵ را دریافت نکرده اند. وی افزود: در پایان سال ۸۵ تعدادی از کارگران روز مزد از سوی شهرداری اخراج شدند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۸)

۱۱۵ - غلامرضا محمدی دبیر اجرایی خانه کارگر طیس گفت: ۹۰ کارگر شاغل در شرکتهای پیمانکاری خدماتی شهرداری طیس ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۸)

۱۱۶ - علی غیثی دبیر اجرایی خانه کارگر استان ایلام گفت: شرکت "پویا نخ" تعطیل و ۶۰ کارگر از کار اخراج شدند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۸)

۱۱۷ - شرکت تولیدی "تریکو کاخ" تعطیل و ۲۰ کارگر با سابقه ۲۵ سال از کار اخراج شدند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۸)

۱۱۸ - عنایت طلبی عضو خانه کارگر گفت: ۳۹۵ کارگر کارخانه "چیت سازی" بهشهر ماههست که هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند، این در حالی است که کارگران در این واحد همچنان مشغول بکار هستند. وی افزود کارفرمای کارخانه حق بیمه کارگران را

پرداخت نکرده است و سازمان تامین اجتماعی دفتر چه های درمانی کارگران این واحد را تمدید نمی کند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۸)

۱۱۹ - علی غیثانی دبیر اجرایی خانه کارگر استان ایلام گفت: بیش از ۱۰۰ تن از کارگران شرکت های خدماتی سازمان بهزیستی با سابقه ۵ تا ۱۵ سال از کار اخراج شدند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۹)

۱۲۰ - ابراهیم میر شاهی سر کارگر شرکت تولیدی "شیمی کاران" واقع در حصارک کرج گفت: کارگران این شرکت با ۲۵ سال سابقه مدت ۵ سال است که هیچگونه حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند. کارگران این شرکت سالها در شرایط سخت و زیان آور با مواد شیمیایی کار کرده اند و باید از قانون بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور استفاده کنند. اما کارفرما با استفاده از چند وکیل زبده مانع این کار می شود. (ایلنا ۸۶/۱/۱۹)

۱۲۱ - محمد تقی جعفر بیگلر مسئول شورای اسلامی کار کارخانه "صندوق نسوز خرم" گفت: ۱۰۰ کارگر این واحد تولیدی مدت ۹ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. این کارگران برای اعتراض در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۹)

۱۲۲ - حسین مخلص شهردار طیس گفت: ۷۰ کارگر شاغل در ۳ شرکت خدماتی پیمانکاری مستقر در شهرداری طیس ۲ ماه حقوق، عیدی و سنوات شغلی خود را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۱/۱۹)

۱۲۳ - نماینده کارگران شرکت صنایع فلزی واقع در جاده قدیم تهران گفت: ۳۰۰ کارگر قرار دادی این واحد از کار اخراج شدند. کارگران ۳ ماه حقوق، عیدی و بین سالهای ۸۴ و ۸۵ خود را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۲۴ - مراد احسانپور مسئول شورای اسلامی کار شرکت "پارسپولون" خرم آباد گفت: ۸۰ کارگر قرار دادی این شرکت از کار اخراج شدند. کارگران اخراجی حقوق اسفند ماه و عیدی شان را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۲۵ - علیرضا بدرد مسئول شورای اسلامی شرکت "ساریت مازندران" گفت: حدود ۱۰۰ کارگر این شرکت حقوق اسفند ماه و عیدی خود را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۲۶ - غلامرضا محمدی دبیر اجرایی خانه کارگر طیس گفت: ۲۵۰ کارگر شاغل در ۵ شرکت خدماتی پیمانکاری راه آهن مدت ۲ تا ۳ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. مدیریت راه آهن هیچگونه نظارتی به عملکرد این شرکت ها ندارد. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۲۷ - کارخانه قند باسوج از ۳ ماه پیش تعطیل و ۱۷۰ کارگر این واحد در بلا تکلیفی بسر می برند. حدود ۵۰ نفر از این کارگران جهت اعتراض در مقابل استانداری کهرکویه و بویر احمد تجمع کردند، نیروی انتظامی با هل دادن و تهدید مانع ورود کارگران به محوطه استانداری شدند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۲۸ - محمود صالحی از بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۳ در سقز، توسط مامورین امنیتی بازداشت و به زندان مرکزی سنندج منتقل شد. نامبرده به اتهام اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم در دادگاه بدوی به ۴ سال زندان محکوم شده است. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۲۹ - ۲۴۰ کارگر شرکت "توسعه صنایع" متعلق به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با ۲۶ سال سابقه از کار اخراج شدند. جمعی از کارگران برای اعتراض در مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۳۰ - یوسف فرهاد بابایی عضو خانه کارگر گفت: ۳۰ کارگر رسمی ایستگاههای توزیع انتقال نیرو در استان خوزستان به علت خود داری از انعقاد قرار داد با پیمانکار خصوصی از کار اخراج شدند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۳۱ - مجید احمدی گودینی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان کرمانشاه گفت: ۷۰۰ کارگر رسمی شرکت "جهاد نصر" کرمانشاه با اجبار مدیریت به کارگران قراردادی تبدیل شدند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۳۲ - محسن حکیمی عضو کانون نویسندگان، سید جلال حسینی، برهان دیوارگر و محمود صالحی از فعالان کارگری شهرستان سقز به جرم تجمع غیر قانونی در روز جهانی کارگر سال ۸۳، اقدام علیه امنیت داخلی و تبانی برای ارتکاب جرم در شعبه هفتم دادگاه تجدید نظر استان کردستان محکوم به زندان شدند. حکیمی، حسینی و دیوارگر هریک به ۲ سال حبس تعلیقی محکوم شدند و محمود صالحی به یکسال حبس تعزیری و ۳ سال حبس تعلیقی محکوم شد. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۳۳ - ۳۵ کارگر خدماتی پیمانکاری ناحیه ۳ منطقه ۱۰ شهرداری تهران حقوق اسفند ماه و عیدی سال ۸۵ را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۳۴ - مراد احسانپور مسئول شورای اسلامی کار خرم آباد گفت: ۴۵ کارگر قرار دادی شرکت یخچال سازس لرستان از کار اخراج شدند. این کارگران ۴ ماه حقوق و عیدی سال ۸۵ خود را دریافت نکرده اند. وی افزود ۲۵۰ کارگر رسمی این کارخانه چند ماه است بیکار و بلا تکلیف هستند و حقوق خود را دریافت نکرده اند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۳۵ - مرتضی پاکزاد عضو کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار مازندران گفت: حدود ۱۰۰ کارگر قراردادی بیمارستان امام سجاد

رامسر از دریافت حداقل حقوق قانونی محروم هستند. این کارگران در صورت اعتراض به دریافت حق و حقوقشان بلافاصله از طرف کارفرما اخراج می شوند. کارگران تاکنون نتوانسته اند از بن حق عائله مندی، حق مسکن و سایر مزایایی که شورای کار مصوب کرده، بهره مند شوند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۳۶ - کرم مرادی کارگر پتروشیمی پل چهر کرمانشاه، که در مجمع عمومی اول اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در شهر سنندج شرکت کرده بود، توسط اداره اطلاعات کرمانشاه بازداشت شد. (وبلاگ موکریان ۸۶/۲/۱)

۱۳۷ - ۳۰ کارگر شرکت صنعتی مهر آباد با سابقه ۸ سال از کار اخراج شدند. (ایلنا ۸۶/۲/۱)

۱۳۸ - علی غیثانی دبیر اجرایی خانه کارگر ایلام گفت: ۱۵ کارگر دانشگاه آزاد ایلام از کار اخراج شدند. (ایلنا ۸۶/۱/۲۸)

۱۳۹ - یک کارگر ساختمانی بنام حسن ۲۳ ساله به علت تخریب غیراصولی دیوارها و ستونهای داخل یک ساختمان قدیمی در تبریز بر اثر ریزش سقف کشته شد. (ایلنا ۸۶/۱/۲۸)

۱۴۰ - هفت نفر از کارگران اخراجی کارخانه گونی بافی ارومیه به اتهام اخلاف گر و برهم زنده نظم عمومی در شعبه ۸ دادگاه عمومی ارومیه مورد بازجویی قرار گرفتند و با قرار وثیقه آزاد شدند. ۱۵۰ کارگر این شرکت مدت ۱۸ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. این شرکت زیر مجموعه بنیاد شهید و امور ایثارگران می باشد. (ایلنا ۸۶/۱/۲۸)

۱۴۱ - خالد میخانی، انور حسین زاده، عطا حسینی، کاوه حکیمی و رحیم حسینی از بازداشت شدگان اعتراضات کارگری در سقز از بازداشتگاه اداره اطلاعات به زندان مرکزی منتقل شدند. در همین رابطه ده نفر از دستگیر شدگان از جمله محمد عیدی پور و کاوه محمدیان که بر اثر ضرب و شتم نیروهای انتظامی از ناحیه دست آسیب جدی دیده اند از زندان آزاد شدند. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۲/۱)

۱۴۲ - نماینده خانه کارگر در شرکت ماشین سازی لرستان گفت: ۱۳۰ کارگر قرار دادی این شرکت بدون دریافت حق سنوات و عیدی سال ۸۵ از کار اخراج شدند. وی افزود: بیش از ۲۰۰ کارگر باقی مانده این شرکت بیکار و بلا تکلیف هستند. (ایلنا ۸۶/۳/۱)

* مزایای کارگری عبارتند از: بین کارگری، حق مسکن، حق عائله مندی و عیدی.

قتل مردم توسط نیروی انتظامی:

۱۴۳ - بر اثر تیراندازی نیروی انتظامی مرابان یک کول بر مرزی بنام محمد علی قلقله ای کشته شد. همچنین در روز دوشنبه بر اثر تیر اندازی نیروی انتظامی در مرکز شهر مرابان و مرابان کشته و بختیار خوش نواز مجروح شد. (انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران ۸۶/۲/۱)

۱۴۴ - طاهر مینه مراد ۳۰ ساله فرزند رحمان در روستای "کاله کاوی" توسط نیروی انتظامی به قتل رسید. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۱۶)

محکومین به اعدام:

۱۴۵ - سید محمد که مدعی عرفان و ارتباط با اولیا بود، به اتهام اغفال و تجاوز به زنان شوهر دار به حکم قوه قضائیه در قم محکوم به اعدام شد. (بازتاب ۸۶/۲/۱)

۱۴۶ - سعید به جرم قتل لطیف در شعبه ۱۱۵۶ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی الهی زاده و با تائید شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور محکوم به اعدام شد. (اعتماد ۸۶/۱/۱۴)

۱۴۷ - عباس به جرم قتل آرش در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی کوه کمره ای و با تائید شعبه ۳۴ دیوانعالی کشور محکوم به اعدام شد. (اعتماد ملی ۸۶/۱/۱۸)

۱۴۸ - امیر ۲۲ ساله به علت سرقت و قتل یک کودک ۶ ساله در شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان تهران و با تائید شعبه ۳۷ دیوانعالی کشور محکوم به اعدام شد. (اعتماد ملی ۸۶/۱/۱۸)

۱۴۹ - مهدی ۲۰ ساله به جرم قتل محمد حسن ۱۸ ساله در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی نورالله عزیز محمدی محکوم به اعدام شد. (ایران ۸۶/۱/۱۹)

۱۵۰ - مسعود ۲۷ ساله و حسن ۲۴ ساله به جرم قتل یک سرباز و سرقت مسلحانه در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی نورالله عزیز محمدی محکوم به اعدام شد. (اعتماد ملی). ۱۵۱ - یک مرد با عنوان "شروور" و به اتهام مسفد فی الارض در شعبه دوم دادگاه انقلاب قزوین به ریاست قاضی عباس قمی زاده محکوم به اعدام شد. (کیهان ۸۶/۲/۱)

۱۵۲ - احمد ۶۵ ساله به جرم تجاوز به ۳۷ زن و دختر در شعبه ۱۶ دادگاه کیفری استان اصفهان محکوم به اعدام شد. (اعتماد ملی). ۱۵۳ - محمد و هومن به جرم تجاوز به عتف در شعبه ۷۱ دادگاه استان تهران به ریاست قاضی نورالله عزیز محمدی محکوم به اعدام شدند. (اعتماد ملی ۸۶/۲/۱)

گزارش کامل اعتصاب سراسری معلمان در روز یکشنبه 26 فروردین

گزارش اختصاصی وبلاگ کارگر

گزارش اختصاصی وبلاگ کارگر:

بنا به اعلام قبلی شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان که در بیانیه ۱۰ فروردین خود اعلام اعتصاب دو روزه در تاریخ ۲۶ و ۲۷ فروردین ماه سال ۱۳۸۶ کرده بود. روز یکشنبه ۲۶ فروردین در اولین روز این اعتصاب معلمان سرتاسر کشور در اقدامی هماهنگ به این اعتصاب پیوستند. گزارش های رسیده از مدارس کل کشور حاکی از این امر است که معلمان با حضور در دفاتر مدارس از رفتن به سر کلاس ها خودداری کردند. در اکثر شهر های کشور فشار هایی از طرف نهاد های امنیتی از جمله حراست وزارت آموزش و پرورش فرمانداری ها و اداره اطلاعات شهر برای مرعوب کردن معلمان صورت گرفته است. از جمله در تهران ۶ تن از فعالین صنفی معلمان در زندان اوین در بازداشت به سر می برند. در خمینی شهر یکی از فعالین صنفی بازداشت شده است. در همدان ۴ تن از فعالین صنفی همچنان در بازداشت هستند. در کرمان نیز چندین تن از فعالین صنفی بازداشت شده اند. با این وجود بنا به اخبار رسیده می توان اعتصاب معلمان را در روز اول موفقیت آمیز ارزیابی کرد و امید داشت که اعتصاب روز دوم در روز دوشنبه ۲۷ فروردین ماه پرورش تر از گذشته برگزار شود.

در ذیل اخبار اعتصاب سراسری معلمان را که از منابع مستقل و سایت ها و وبلاگ های مستقل خود معلمان و اخبار مستقیم معلمان تهیه و تنظیم شده است را می خوانیم.

استان تهران

در پایتخت نیز هم چون دیگر شهر های کشور علاوه بر آن که سرکوب و بازداشت معلمان وسیع تر از جا های دیگر بوده و هم اکنون جمع کثیری از سازماندهان اصلی اعتراضات صنفی معلمان از جمله آقایان: منتجبی؛ فلاحي؛ باقري؛ پور وثوق؛ علیرضا اکبري و محمد رضا رضايي در زندان اوین به سر می برند. اعتصاب به نحو مطلوبی صورت گرفته است. امروز اغلب مدارس منطقه 9 تهران در حالت اعتصاب بسر بردند و معلمان اعتصابی هیچ زنگی در کلاس درس حضور نیافتند. معلمان منطقه 5 تهران نیز در حمایت از همکاران و معلمان بازداشت شده امروز را اعتصاب نمودند و بر سر کلاس هاي درس حاضر نشدند. و از دیگر مناطق تهران نیز خبر ها حاکی از اعتصاب گسترده ی معلمان بوده است در مناطق ۱ و ۳ و ۷ تهران اکثر مدارس به حالت تعطیل در آمده بود.

اما از شهرستان اسلامشهر از توابع استان تهران اخبار جالبی و البته تاسف انگیزی به دست می رسد. رئیس آموزش و پرورش اسلامشهر خلاقیت فوق العاده ای به خرج داده و برای فریب معلمان احکام تقلبی درست کرده و آن ها را در سراسر تهران پخش نموده، مبنی بر این که احکام معلمان از مبلغ هفتاد هزار تومان تا يك صد و پنجاه هزار تومان افزایش پیدا کرده. این شایعه مثل مذب در تهران ترکیده که دیگر اعتصاب کنکیدی حقوق ها افزایش یافت، اما ریاست محترم منطقه اسلامشهر هوش و فراست معلمان را در ابتکار خویش نادیده گرفته، چون معلمان تا اسم اسلامشهر را شنیدند گفتند فریب و نیرنگ است و لحظه ای هم در اعتصاب نمودن تعلل نکردند. همچنین ایشان به مدیران دستور داده تا اعضای انجمن اولیاء و

۱۵۴ - غلامرضا به جرم قتل مهین، صابر و علی در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی نورالله عزیز محمدی و با تائید شعبه ۳۷ دیوان عالی کشور به ۳ بار اعدام محکوم شد. (کیهان ۸۶/۱/۲۸)

۱۵۵ - زهرا عجلی ۳۰ ساله و مادر ۴ فرزند به جرم قتل فرزند ۱۰ ساله همسرش به دستور قوه قضائیه محکوم به اعدام شد. (زنستان ۸۶/۲۹/۱)

۱۵۶ - دو پسر جوان به جرم تجاوز به یک دختر ۱۸ ساله در شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی اکبر ساعی محکوم به اعدام شدند. (ایران ۸۶/۲۹/۱)

۱۵۷ - فرهاد ۳۸ ساله به جرم قتل سهراب در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی نورالله عزیز محمدی و با تائید شعبه ۳۷ دیوان عالی کشور محکوم به اعدام شد. (اعتماد ملی ۸۶/۲۹/۱)

زندانیان سیاسی اعدام شده :
۱۵۸ - خالد زرکندی اهل شهرستان تکاب و عضو یک حزب کرد به اتهام مقابله با نیروهای دولت جمهوری اسلامی ایران، پس از ۵ سال حبس به دستور قوه قضائیه اعدام شد. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۲۷/۱)

۱۵۹ - حسین فرهوده معروف به حسین خطیبی از اهالی شهرستان خوی به اتهام "جاسوسی" و همکاری با حزب ملی گرای حرکت ملی ترکیه پس از تحمل ۸ ماه زندان و شکنجه به حکم قاضی حسین زاده رئیس شعبه یک دادگاه انقلاب خوی در زندان ارومیه اعدام شد. (کمیته دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجان ۸۶/۲۴/۱)

احکام اجرا شده اعدام توسط دادگاهها :
۱۶۰ - حسین حاج محمدی اهل ارومیه به اتهام قتل بدستور دیوان عالی کشور در زندان سنندج به دار آویخته شد. (سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ۸۶/۱/۸)

۱۶۱ - سردار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی گفت: ۲ تن از کارکنان نیروی انتظامی خراسان رضوی به اتهام فساد مالی اعدام شدند. (ایسنا ۸۶/۱/۱۳)

۱۶۲ - بهرام - ص، محمد - ص و مجید - ح به جرم قتل، آدم ربایی و زنا به عتف به حکم قوه قضائیه در زندان اراک به دار آویخته شدند. (جمهوری اسلامی ۸۶/۲۱/۱)

۱۶۳ - رمضان ابراهیمی به جرم حمل مواد مخدر و درگیری مسلحانه به حکم دادگاه انقلاب کرمان و با تائید دیوان عالی کشور در شهرستان گلپایگ در ملاء عام به دار آویخته شد. (جمهوری اسلامی ۸۶/۱/۲۳)

۱۶۴ - همایون ۲۵ ساله به جرم قتل یک مرد ۲۴ ساله به حکم دادگستری مردشت و با تائید دیوان عالی کشور در منطقه ایستگاه مینی بوس شهرستان مردشت در ملاء عام به دار آویخته شد. (ایران ۸۶/۲۴/۱)

۱۶۵ - عباسعلی سبحانی ۴۰ ساله اهل شهرستان خدابنده و ساکن شهرستان ریاط کریم به جرم قتل ۴ نفر به حکم دادگستری شهرستان رودبار و با تائید دیوان عالی کشور در ملاء عام به دار آویخته شد. (جمهوری اسلامی ۸۶/۱/۲۸)

اخبار اجتماعی :
۱۶۶ - سردار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی گفت: در تعطیلات نوروزی ۶۳۸ تن در سوانح رانندگی کشته شدند. (ایسنا ۸۶/۱/۱۳)

۱۶۷ - حکومت ایران از پیوستن به کنوانسیون "اتاو" خودداری می کند. بر اساس این کنوانسیون هرگونه تولید، انتقال، ذخیره و استفاده از مین برای کشورها ممنوع و تعهداتی را برای کشورهای عضو ایجاد می کند. بنابر آمارهای غیر رسمی در حال حاضر ۱۶ میلیون مین باید از استانهای خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی پاکسازی شود. (اعتماد ملی ۸۶/۱۵/۱)

۱۶۸ - سردار حسین آبادی رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی گفت: ۲۲۴ نفر قاچاقچی توسط مامورین نیروی انتظامی در سال ۸۵ به قتل رسیده اند و ۲۹۰۵۴۹ نفر معتاد دستگیر و به مراجع قضایی تحویل داده شدند. (ایران ۸۶/۱/۱۸)

۱۶۹ - بر اثر انفجار یک قبضه مین در نزدیکی پاسگاه نیروی انتظامی در روستای "نونکان" از توابع شهرستان سردشت یک جوان ۲۲ ساله به نام رحمان پیرانی کشته و ۴ نفر مجروح شدند. حال یکی از مجروحین وخیم گزارش شده است. (کیهان ۸۶/۲۰/۱)

۱۷۰ - یک کودک ۸ ساله بنام محمد بر اثر شکنجه ناپدری ۲۸ ساله اش بنام ابوالفضل کشته شد. (ایسنا ۸۶/۲۰/۱)

"فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و امریکای شمالی"
۳۱/۰۱/۱۳۸۶ ۲۰/۰۴/۲۰۰۷

استان اصفهان

از اصفهان نیز خبر می رسد که اعتصاب گسترده بوده است و قریب 90 درصد مدارس در اعتصاب بودند.

یک نکته جالب از اعتصاب امروز شهر اصفهان این است که: "در دبیرستان دخترانه مکتبی خ جابر اصفهان مدیر آموزشگاه جهت مقابله با فرهنگیان متحصن از دادن جای در زنگ تفریح به همکاران خودداری می کند!" هم چنین امروز تمامی مدارس ناحیه 5 اصفهان و ناحیه 2 اصفهان در اعتصاب کامل بودند و به همین دلیل رییس اداره آموزش و پرورش ناحیه 5 اصفهان با سرکشی به مدارس از آنها خواسته است در ایام تعطیلات مثل جمعه اعتراض خود را با تجمع اعلام کنند!

دبیرستان های شهید رجائی ناحیه 2 جنب اداره آموزش و پرورش ناحیه 2 و دبیرستان شهید مفتاح و دبیرستان فرهنگ و دبیرستان ادب روبروی سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان از جمله مدارس اعتصابی بودند.

از دیگر شهر های استان اصفهان نیز خبر می رسد که تمامی مدارس **زرین شهر شهر و فولادشهر باغباندران- فلاورجان- فولادشهر- کرچگان- پیربکران** هم گام با تمام مدارس ایران در اعتصاب به سر بردند. معلمان ضمن حضور در دفتر مدرسه از حضور در کلاس ها خودداری کردند. امروز دبیران دبیرستانهای امام حسین-پیش دانشگاهی شهدا-دبیرستان خوارزمی از باغباندران-دبیرستان امام زمان کرچگان و تمام وقت در دفتر مدرسه حضور داشتند با وجود این که از اداره باغباندران طی تماس های مکرر و در تلاشی مذبحانه سعی در ایجاد تفرقه بین دبیران و بین مدارس مختلف داشتند. امروز اکثر مدارس شهرستان فلاورجان و بخش پیربکران در اعتصاب کامل بسر بردند.

در این میان از **خمینی شهر** خبر می رسد که متأسفانه دو نفر از فعالان کانون صنفی (آقایان ابطی و مجبیری) در ساعات گذشته احضار شدند و **آقای ابطی** دستگیر شد. برای همین معلمان قصد دارند که روز دوشنبه به حمایت از آقای سید مجتبی ابطی فعال صنفی که امروز بازداشت شد در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کنند.

استان مرکزی

بر اساس اخبار واصله از شهرستان های استان مرکزی اغلب دبیرستان های شهرهای **شازند- خمین - اراک - تفرش - فراهان - دلپجان** و... در اعتصاب به سر می برند. البته استقبال مدارس دخترانه و مقاطع ابتدایی و راهنمایی چندان چشمگیر نبود.

از شهرستان خمین خبر می رسد که امروز 26 فروردین اکثر قریب به اتفاق هم کاران شهرستان خمین بنا به درخواست انجمن صنفی معلمان کشور از حضور در سر کلاس ها خودداری کرده و خواستار رهایی معلمان و همکاران عدالت خواه خود شده و فردا را نیز از حضور در کلاس ها خودداری خواهند کرد. ضمناً تعدادی از اعضای انجمن شهرستان توسط اطلاعات احضار شدند که این امر باعث یکپارچگی بیشتر همکاران شده است.

استان خراسان

در شهرستان **مشهد** در ناحیه های 3-5-6 اعتصاب بسیار گسترده بوده است و معلمان در مدارس این نواحی از حضر در سر کلاس امتناع کردند.

امروز در مشهد ناحیه ی 3 دبیرستان های پسرانه و در نواحی دیگر به خصوص ناحیه ی 6 معلمان در مدارس حضور یافتند اما به کلاس های در س نرفتند.

مربیان را به مدرسه دعوت کنند تا اگر معلمي اعتصاب کرد و به کلاس نرفت معلم مربوطه را از مدرسه اخراج نمایند. همچنین ایشان به تگ تگ مدارس زنگ زده و گفته اند هر معلمي اعتصاب کند از آموزش و پرورش اخراج می شود! این پایان ماجرا نبود بلکه در اقدامی سوال بر انگیز تصمیمات زیر از طرف رئیس اداره آموزش و پرورش اسلامشهر جهت برخورد قاطع با متحصنین از طرف مدیران به دبیران ابلاغ گردید:

1 - همکاران متحصن باید هر چه زودتر از مدرسه خارج شوند و حق حضور در آموزشگاه را ندارند. و از فردا سرایدار مدرسه از حضور آنها را به آموزشگاه ممانعت به عمل آورد .

2 - معلمین متحصن از فردا هیچگونه سمتی در مدرسه ندارند و ابلاغ آن ها لغو خواهد شد .

3 - رئیس انجمن اولیاء مدارس هر چه سریع تر به مدرسه دعوت شده و با تنظیم شکایت علیه معلمان متحصن ، به عنوان مدعی العموم علیه معلمان به علت عدم حضور در کلاس شکایت کرده و شکایت خود را جهت رسیدگی تحویل مراجع قضایی نمایند .

4 - نیروهای گشت نامحسوس حراست اداره بر تمام مدارس شهرستان اشراف کامل خواهند داشت تا مستقیماً با معلمان برخورد نمایند و اسامی معلمین متخلف را به نیروهای امنیتی گزارش کنند. البته با وجود تمام این تلاش های مذبحانه اعتصاب در مدارس اسلام شهر به خوبی برگزار شده است.

از **کرج** نیز خبر می رسد که در پی تقاضای کانون صنفی معلمان مدارس کرج در اعتراض به بازداشت ها و دستگیری غیر قانونی معلمان؛ امروز ۲۶/۱/۸۶ در کلاس درس در کرج حاضر نشدند. علی رغم فشار بسیار زیاد از سوی اداره، معلمان با تحصن در دفتر مدارس در اعتراض به بازداشت همکاران فرهنگی به کلاس نرفتند. نواحی مختلف شهرستان کرج خصوصاً ناحیه 1 و ناحیه 3 و ناحیه 4 شاهد این تجمعات بودند. در ناحیه 1 معلمان دبیرستان های سهروردی و قریشی ها واقع در منطقه ی عظیمیه اعتصاب شان چشم گیر تر بود.

استان همدان

یکی از معلمان از شهر **همدان** که در هفته ی گذشته شاهد اعتراضات گسترده و تحصن وسیع معلمان و به طبع آن بازداشت ده ها تن از معلمان معترض بوده است خبر می دهد که : "طبق تماس هایی که گرفتیم و ارتباطات اعتصاب به صورت فراگیری در شهر همدان شروع شد. به جز چند مدرسه باقی مدارس معلمان در دفتر بودند و بچه ها در کلاس با رعایت سکوت. از طرف اداره هم برای سر کشی آمدند اما با جواب دندان شکنی روبه رو شدند. در ضمن برای آزادی 4 نفر از عزیزان هم چنان در بندمان اگر تا دوشنبه آزاد نشوند سه شنبه همین هفته ۲۸ فروردین با جمعیت بسیار زیاد در اداره خواهیم بود."

امروز در مشهد نواحی 5 و 6 دبیرستان ها و هنرستان های پسرانه و مدارس راهنمایی و متوسطه ناحیه تبادکان در سایر نواحی دیگر معلمان در مدارس حضور یافتند اما به کلاس های در س نرفتند.

امروز در شهر **سبزوار** اکثر دبیرستان های پسرانه و تعدادی هم از مدارس راهنمایی و ابتدایی در تحصن به سر بردند. در منطقه ی خوشاب سبزوار هم تحصن در مدرسه با شدت بیشتری از سبزوار برگزار شده است

معلمان **بروجن** نیز همسو با سایر معلمان عدالتخواه امروز یکشنبه 86/1/26 در دفتر مدارس تحصن کردند.

از **بجنورد** نیز خبر می رسد که معلمان امروز در دفتر نشستند و سر کلاس حاضر نشدند. اکثر دبیرستان های شهر بجنورد چنین اعتصاب با شکوهی را تا امروز تجربه نکرده بودند. هر چند دیروز مدیر کل آموزش و پرورش خراسان شمالی با فرا خواندن مدیران سعی در جلوگیری از اعتصاب داشتند، ولی موفق نبودند.

از منطقه **تحت جلگه ی نیشابور** خبر می رسد که امروز معلمان پس از حاضر نشدن در کلاس ها و پیوستن به اعتصاب سراسری مورد تهدید و ارباب قرار گرفته و رییس منطقه همکاران را جهت معرفی به مراجع امنیتی مورد تهدید قرار داد

همچنین منابع مستقل فرهنگی از شهرستان **قوچان** خبر از شناسایی معلمان گزارشگر در قوچان توسط مأموران اطلاعات می دهند.

این منابع گزارش دادند که: " همکاران نویسنده ی وبلاگ جمعی

از فرهنگیان قوچان از طرف نیروهای اطلاعات شناسایی شده اند و تا مساعد شدن اوضاع و رفع تهدید وبلاگ شان به روز خواهد

شد و احتمالاً وبلاگ این عزیزان به دستور مقامات مربوطه حذف خواهد شد." در همان زمان آدرس وبلاگ دیگری را جهت اطلاع

رسانی از قوچان اعلام داشتند.

استان های آذربایجان

از شهر های مختلف آذربایجان خبر می رسد که معلمان آن جا هم گام با همکاران و هم صنفی های خویش در اعتصاب با شکوه روز یک شنبه ۲۶ فروردین شرکت داشتند از **تبریز** خبر می رسد که امروز برخلاف اسفند ماه جنب و جوش خاصی در بین همکاران بود.

قریب به اتفاق دبیرستان های پسرانه ی ناحیه ی 2 تبریز و تعدادی از مدارس ناحیه 4 تبریز در حمایت از حقوق صنفی معلمان از حضور در کلاس های در خودداری کردند.

از **ارومیه** نیز خبر می رسد که امروز اکثر معلمان ناحیه ی 1 و ناحیه ی 2 و در تمام هنرستان ها همکاران با حضور در دفتر مدارس از رفتن به کلاس ها خودداری کردند. البته مسوولین ناحیه برای جلوگیری از شکل گیری اعتصاب طرح بردن همکاران به اردو را به مدیران پیشنهاد کرده بودند که با مقاومت قاطع معلمان اعتصابی مواجه شدند.

از شهرستان **ملکان** واقع در آذربایجان شرقی نیز خبر می رسد که دبیران این شهرستان پیرو حمایت از سایر همکاران خویش در دفاتر مدارس تحصن نموده و به کلاس درس نرفتند و با امضای صورت جلسه ای خواهان رسیدگی به درخواست های معلمان شدند.

از **اردبیل** نیز خبر می رسد که امروز در شهر اردبیل تمامی مدارس بدون استثنا اعم از نمونه دولتی و تیز هوشان و غیر انتفاعی و... به طور یک پارچه در تحصن کامل بودند مخصوصاً اخبار دریافتی در مورد بازداشت نایب رئیس کانون صنفی تهران جناب آقای حمید پور وثوق که در اصل اردبیلی هستند و دستگیر ی و

بازداشت همکاران ما در استان کرمان و یار همیشگی تشکل های صنفی جناب آقای ایطی در خمینی شهر معلمان اردبیل را به شدت ناراحت نموده و آنان را در پی گیری انجام تصمیمات شورای هماهنگی تشکل ها مصمم نموده است. بنا به همین گزارشات مدارس شهرستان اردبیل امروز یک پارچه در اعتصاب بودند و چهره شهر

کاملاً تحت تاثیر این اعتصاب بود. در این شهر یکی از باشکوه ترین اعتصابات معلمان برگزار شد که این امر با حمایت کامل دیگر ائتشار مردم شهر اردبیل صورت گرفت.

همچنین در شهر **پارس آباد** نیز اعتصاب بسیار گسترده صورت گرفت.

بنا به گزارش رسیده از یکی از معلمان اعتصابی شهرستان **مشکین** شهر از توابع استان اردبیل متأسفانه به دلیل وجود نیروهای سرکوب

گر در اداره ی آموزش و پرورش جو رعب و وحشت فراوانی حاکم است البته همین امروز در دبیرستان های مطهری و بهشتی و هنرستان های شهید کلانتری تحصن در دفتر مدرسه صورت گرفته

که در دبیرستان مطهری، مدیر مدرسه به حراست اداره متوسل شده و حراست اداره با حضور در دبیرستان فوق الاشاره ضمن تهدید

معلمان از کلمات نامناسبی مثل ضد انقلاب و... استفاده نموده است. در ضمن روز یک شنبه ۲۶ فروردین مدارس متوسطه شهر

شیرگاه در اعتصاب سرتاسری معلمان سراسر کشور شرکت کرده و با حضور در دفتر مدرسه، سر کلاس های درس حاضر نشدند.

استان زنجان

از شهرستان های استان **زنجان** نیز خبر می رسد که امروز 26 فروردین اکثر مدارس استان زنجان علاوه تلاش نیروهای امنیتی

ورئیس سازمان در تحصن کامل بودند که بنا به قرار قبلی فردا 27 نیز ادامه خواهد داشت.

استان قزوین

از استان قزوین نیز خبر می رسد که معلمان شهر **قزوین** خصوصاً معلمان منطقه خیابان خیام در اعتصاب گسترده به سر برده اند

همچنین از **تاکستان** نیز خبر هایی مبنی بر حضور مطلوب معلمان در اعتصاب به دست رسیده است.

استان کردستان

از شهرستان های استان کردستان نیز خبر می رسد که معلمان هم راه با دیگر همکاران و هم صنفی های خویش در سراسر کشور دست به اعتصاب گسترده زدند. معلمان **سنندج** هم چون هفته های گذشته که در ماهی هم صنفی های خویش همواره پیشگام بودند

امروز نیز همگام با سایر همکاران خود در اعتراض به تبعیض و در جهت اعتراض به بازداشت همکاران خود در تهران - همدان - کرمان - خمینی شهر و ... در کلاس های درس حاضر نشدند.

استان کرمان

امروز در **کرمان** و شهرستان های این استان خصوصاً **رفسنجان** معلمان هم گام با یگر همکاران خویش در شهر های دیگر اعتصاب خود را با شکوه برگزار کردند که طی آن رئیس آموزش و پرورش، معلمان را به توطئه چینی علیه نظام محکوم کرد و تعدادی از

مهمان توسط اداره اطلاعات شهرستان کمان نیز بازداشت شدند و به زندان انتقال یافته است.

در دیگر شهرها کشور نیز معلمان در اعتصاب سراسری وز یک شنبه ۲۶ فروردین شرکت داشتند که اخبار تکمیلی آن متعاقب اعلام

می شود. نکته ی قابل توجه در این میان عدم اطلاع رسانی رسانه های مختلف اعم از دولتی و غیردولتی در مورد اعتصاب گسترده

ی امروز معلمان بود که این امر نشان دهنده ی آن است که معلمان می بایستی تنها به قدرت اتحاد صنفی خود و همراهی دیگر ائتشار

و طبقات هم منافع خود تکیه و امید داشته باشند. با آرزوی موفقیت

معلمان برای احقاق حقوق صنفی و طبقاتی خویش!

منابع این گزارش:

[وبلاگ کانون صنفی معلمان ایران](#)

[وبلاگ صدای معلم](#)

[وبلاگ کج و دل فرهنگیان](#)

[وبلاگ صدای اعتراض معلم](#)

[وبلاگ معلمان همدان](#)

[وبلاگ کانون صنفی معلمان کردستان](#)

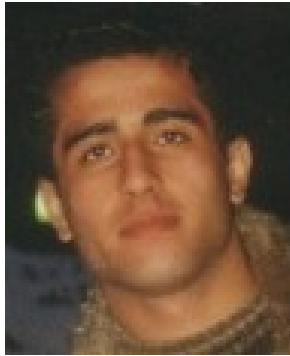
[وبلاگ قلم معلم](#)

[وبلاگ کانون صنفی معلمان اردبیل](#)

[سایت سلام دموکرات](#)

بر گرفته از: وبلاگ کارگر

<http://kaargar.blogfa.com/post-212.aspx>



درخواست ماری ترز آتلا و نمایندگان گروه «سبزه‌ها»
در رابطه با پشتیبانی شهرداری پاریس
از زنان مبارز ایران در دفاع از حقوق زن

روز چهار مارس 2007، در پی یک سرکوب خشن پلیسی، 33 تن از مبارزان حقوق زنان در ایران دستگیر شدند. این زنان که خود را برای بزرگداشت 8 مارس روز جهانی زن آماده می‌کردند، تجمع مسالمت آمیزی را در برابر دادگاه انقلاب برپا کرده بودند. آنان به محاکمه شش تن از زنان مدافع حقوق زن اعتراض داشتند که از ماه ژوئن 2006 به‌خاطر شرکتشان در یک گردهمایی مسالمت آمیز و مشارکتشان در کارزار «یک میلیون امضاء» تحت تعقیب قرار گرفته بودند. در هفته‌های اخیر، سایت اینترنتی این کارزار دفاع از حقوق زن توسط مقامات ایرانی سانسور شده، که این امر دسترسی به اخبار مربوط به این مسائل را برای مراجعه‌کنندگان ایرانی این سایت با مشکل مواجه کرده است.

اجلاس مورخ 16 و 17 اکتبر 2006 شورای شهر پاریس، همبستگی خود را با کارزار «یک میلیون امضاء» جهت پشتیبانی از زنان ایران و زنان مهاجر ایرانی در مبارزه‌شان برای برابری حقوق مردان و زنان در کشورشان اعلام کرده است.

موج جدید دستگیری‌های خودسرانه در اوایل ماه جاری، گواه دیگری بر گسترش حمله و تعرض به مدافعان حقوق بشر و حقوق زنان در ایران است. ما بار دیگر انزجار خود را از سیاست سرکوب و نقض حقوق شهروندان که توسط دولت ایران بطور سیستماتیک علیه مدافعان حقوق بشر اعمال می‌شود، اعلام می‌کنیم.

به‌همین جهت، شورای شهر پاریس بر اساس پیشنهاد ماری ترز آتلا و نمایندگان «سبزه‌ها» از شهردار پاریس تقاضا می‌کند که نقض حقوق و آزادی‌های شهروندان زن در ایران را به شدت محکوم کرده و خصوصاً همبستگی خود را با مبارزان فمینیستی که بطور مسالمت‌آمیز در راه برابری حقوقی میان زنان و مردان در ایران پیکار می‌کنند، مورد تاکید قرار دهد.

این درخواست در شورای شهر پاریس مورخ 26 و 27 مارس 2007 به اتفاق آرا به تصویب رسید.

.....

نامه فرزند محمود صالحی:

همسنگران و همکاران پدرم محمود صالحی!

امروز ماموران جمهوری اسلامی بار دیگر پدرم دستگیر را کردند!

کارگران، مردم آزادیخواه جهان، اتحادیه‌های کارگری و نهادهای مدافع بشر در سراسر جهان!

امروز دو شنبه ۲۰/۱/۱۳۸۶ در ساعت ۱۲:۳۰ یکی از فرماندهان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی سقز به محل کار محمود صالحی (پدرم) مراجعه و به پدرم گفته است که فرماندار و دادستان از شما دعوت کردند تا در مورد مراسم ۱۱ اردیبهشت امسال با شما صحبت کنند. پدرم نیز از روی صداقت درونی این دروغ بزرگ را باور کرده و همراه وی به دادگاه مراجعه نموده است.

به محض ورود به دادگاه پدرم متوجه می‌شود که اصلاً موضوع ۱۱ اردیبهشت در میان نیست؟! بلکه موضوع مربوط به بر گذاری مراسم اول ماه مه ۱۳۸۳ و ۴ سال حکمی است که برای ایشان در نظر گرفته شده بود. این حکم اخیر در دادگاه تجدید نظر به ۱ سال زندان تعزیری و ۳ سال زندان تعلیقی تبدیل شده است که مسئولان قضائی با این شیوه غیره قانونی در تلاش اجرای آن هستند. مسئولان قضائی با وجود اعتراض پدر و مادرم به این نحو اجرا، و خودداری پدرم از امضای حکم و بدون اعتنا به صحبت‌ها و اعتراض ایشان بلافاصله با تدابیر شدید امنیتی چندین مامور وی را احاطه نموده و در ماشین گذاشته با همراه چندین ماشین پلیس خودروی حامل پدرم را اسکورت و با سرعتی سرسام آور از شهر به مکان نامعلومی انتقال دادند. این در حالی است که پدرم اولین کسی است که به این طریق حکم به وی ابلاغ و بلافاصله به زندان منتقل می‌شود. می‌بایست حکم صادره بر علیه پدرم قبلاً به وی ابلاغ می‌شد تا ایشان خود را برای این امر آماده می‌کردند.

دوستان هدف جمهوری اسلامی از اجرای حکم به این شکل تنها زندانی کردن پدرم نیست بلکه چیزی که در این میان آشکار است ترس مسئولان از برگذاری مستقل روز جهانی کارگر امسال در سقز است.

عزیزان نحوه اجرای حکم پدرم آشکارا قانون شکنی است در هیچ جای دنیا رسم نیست که دادستانی حکم بازداشت کسی را صادر نماید و صدور حکم محکومیت نیز به اطلاع و تانید خود او برسد و قاضی تجدید نظر هم همان شخص باشد با این اوصاف من از همه ی شما کارگران، مردم آزادیخواه جهان، نهادهای مدافع حقوق بشر، وکلای بدون مرز، حقوق دانان و انسانهای آزادی خواه می‌خواهم که به حکم محکومیت پدرم و اجرای حکم اعتراض و پدرم را که جرمی جز دفاع از خود و دیگر هم طبقه ای هایش ندارد مورد حمایت قرار دهید. ما هم می‌خواهیم از یک زندگی شایسته انسان امروز بر خوردار باشیم!

فرزند محمد صالحی : سامرند صالحی ۲۰/۱/۱۳۸۶

رژیم گانگستر!

وقتی که رژیم دانشگاه را با پادگان عوضی میگیرد!

باتشدید بحران اقتصادی و سیاسی، رویارونی حکومت اسلامی با کارگران و زحمتکشان، ایجاد تازه ای پیدا کرده است. روزی نیست که خبری از دستگیری کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و سایر بخش های جامعه منتشر نشود. چنان که دستگیری محمود صالحی و ربودن بیژن صباغ یکی از دانشجویان از دانشگاه مازندران از آخرین آن هاست. گرچه رژیم تلاش زیادی می کند که قدرت سرکوب خود را بی پایان نشان دهد و بر فراز سر شهر شوند فعال شمشیر آخته ای را نگهدارد، اما علیرغم آن، نفس افزایش سرکوب و دستگیری ها، نشاندهنده گسترش دامنه مبارزه و مقاومتی است که موجودیت رژیم را به چالش طلبیده است.

آشکارا روند مقاومت و سرکوب پا به پای هم گسترش پیدا می کنند. و در این میان گسترش هرگام جدید در سرکوب نشان دهنده شکست و ناگامی گام های پیشین از یکسو و افزایش روحیه مقاومت و پایداری کارگران و زحمتکشان و زنان و دانشجویان مبارز از سوی دیگر است. این روند هم چنین نشان می دهد که با افزایش انزوای هرچه بیشتر حاکمیت در نزد مردم، رژیم برای بقا خود ناگزیر می شود که هرچه بیشتر به تنها ابزار تکیه گاه خود - قهر و سرکوب - متوسل شود.

دست یازیدن به این حربه نیز بنوبه خود بر ابعاد شکاف و تضادش با مردمی که خود را بان ها تحمیل کرده است، می افزاید. از نشانه های دیگر انحطاط و کندیدگی یک رژیم، آنست که حتی با کنار گذاشتن قواعد و قوانین خود وضع کرده، رفتارش با شهروندان به رفتار گانگسترها شباهت پیدا می کند.

در این رابطه نحوه دستگیری محمود صالحی که به عنوان گفتگو حول نحوه برگزاری ماه مه و بدون طی تشریفات قانونی و بیشکل آدم ربانی صورت گرفت و نیز دیدن دانشجوی مازندرانی برای در هم شکستن روحیه دانشجویان مبارز، نمونه تازه ای از این روند است.

نزدیکی به روزجهانی کارگرونگرانی از خطر قدرت نمایی کارگران و همه فعالین و مدافعان این طبقه زحمتکش در برگزاری هرچه باشکوه تر روزجهانی کارگران، در پی یک سال آکنده از مبارزات افشارگوناگون طبقه بزرگ مزدحقوق بگیران، رژیم را سخت دروخت افکنده، بطوری که از هم اکنون برای فلج کردن قدرت اقدام آن ها به تکاپو افتاده است.

بی شک تنها پاسخ شایسته به سرکوب، افزایش دامنه مقاومت است. تنها بدین طریق است که توازن قوا در صحنه نبرد بی وقفه و فرسایشی رژیم علیه مردم به سرعت به زیان رژیم رقم می خورد. هم اکنون ابراز مقاومت در برابر تجاوزات رژیم به حقوق اولیه شهروندان از محدوده عناصر فعال برخی لایه ها و افشار اجتماعی فراتر رفته و آحاد بیشتری از طبقه و افشار اجتماعی را دربر گرفته است.

بی گمان گسترش پایه های توده ای این مقاومت در هر یک از این شاخه ها و پیوند شاخه های مختلف با یکدیگر، چنان نیروی شگرفی را آزاد خواهد کرد که هیچ دیکتاتوری تاب مقاومت در برابر آن را نخواهد داشت. گسترش این روند آن طناب داری است که سرانجام به گردن کشان در برابر مردم خواهد افتاد.

جمهوری اسلامی وارد مرحله تازه ای از انحطاط و فروپاشی خود شده است. توسل بیش از پیش به حربه سرکوب و بشیوه های کاتگسترمابانه، تنها یکی از نشانه های بارز آن است.

با همه توان خویش برای آزادی محمود صالحی و سایر کارگران زندانی و همه معلمان و دانشجویان و زنان و همه زندانیان سیاسی و نیز برای برگزاری هرچه باشکوه تر روزجهانی کارگران بکوشیم!

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران
(راه کارگر)

04 - 15 - 2007 برابر 26-01-86

.....

در یک هفته اخیر حکومت اسلامی در پیش برد سیاست پادگانی کردن دانشگاه ها، که می توان آن را ضدانقلاب فرهنگی دوم به شیوه ای جدید نامید، با دوبرآمد برجسته از مقاومت دانشجویان روبرو شد که در هر دو آن ها ناچار گردید در مقابل حرکت قاطع و شگوهمند جنبش دانشجویی که بدرجائی از حمایت و همدردی دانشجویان سایر دانشگاهها، بخصوص حمایت دانشجویان مدافع آزادی و برابری برخوردار بودند، عقب نشینی کند. در رابطه با دانشگاه مازندران ناچار گردید دانشجویان روبرو شده را بسرعت آزاد کند - گرچه هنوز مبارزه برای حصول به سایر مطالبات ادامه دارد - و در مورد دانشگاه شیراز هم "منشور اخلاقی" خود را پس گرفته و با اکثر مطالبات دانشجویان موافقت نماید. گرچه یکی از مهم ترین ویژگی حکومت اسلامی بیگانگی کامل آن با حکومت قانون است و به همین دلیل، نمی توان انتظار داشت که این گونه دستاوردها بخودی خود خصلت پایدار و تثبیت شده ای داشته باشند و درست تر آن است که آن ها را یک موفقیت نسبی و به عنوان پیروزی در یک نبرد بدانیم که جنبش دانشجویی در مسیر مبارزه طولانی خود بدان نائل شده است. با این همه نفس آزادی سریع روبرو شدگان درماندگان و بخصوص پس گرفتن "منشور اخلاقی" در شیراز نشان داد که حتی یک گراز وحشی را (گرازی که بافتخار اعلام می دارد فاقد دنده و ترمز است) می توان وادار به عقب نشینی کرد. بی شک برآمدهای فوق و عقب نشینی رژیم در برابر دانشجویان را باید دست آورد مهم و ولو مقطعی، برای جنبش دانشجویی بطور اخص و سایر جنبش های اجتماعی و طبقاتی بطور اعم بشمار آورد. چرا که به عقب راندن دشمن مشترک و سراسری همه جنبش های اجتماعی و طبقاتی ولو آن که در یک نقطه از یک جبهه گسترده باشد، تأثیر مثبتی در تقویت روحیه سایر جنبشها و تضعیف روحیه حامیان رژیم برجای می نهد. همانطور که خود جنبش دانشجویی نیز به نوبه خود از مبارزه سایر جنبش ها متأثر شده و به تقویت روحیه و تحکیم مواضع خود پرداخته است. نگاهی به شعارهای دانشجویان شیراز به خوبی هم گوهر مشترک آن با جنبش مطالباتی معلمان و سایر افشار زحمتکش را به نمایش می گذارد و هم نشان می دهد که تاجه اندازه این جنبش ها به طور متقابل بروی یک دیگر تأثیر می گذارند. این تأثیرات را در برخی تاکتیک ها و مطالبات مشترک آن ها نظیر خواست عذرخواهی و استعفاء ویا بهره گیری از اشکال جنبشی و تأکید بر نقش آفرینی مجامع عمومی مشاهده کرد. در عین حال طرح این گونه مطالبات و نیز درخواست افزایش حقوق توسط معلمان، در مقایسه با مطالباتی هم چون دریافت حقوق های معوقه توسط شماری از کارگران کارخانجات و .. نشان می دهد که بخش هایی از جنبش های طبقاتی و اجتماعی دارند به تدریج از حالت صرف دفاعی درمی آیند. البته طبیعی است که بروز چنین روندی تدریجی بوده و در گام های نخست با حمل رگه هایی از عنصر تعرض همراه است که در انطباق با توازن قوای مرحله انتقالی کنونی و نیز متناسب با توازن قوای مشخص در هر بخش معین است. به موازات بهم خوردن کیفی موازنه قوای کنونی وجه تعرضی مطالبات و مبارزه می تواند باشتاب بیشتری بوجه دفاعی آن به چرید. علاوه بر این، حتماً ما هم مثل من متوجه شباهت و قرابت شعارهای دانشجویان شیراز هم چون «دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد»، «مدعی عدالت، خجالت خجالت»، «صادقی حیا کن، دانشگاه رو رها کن»، «رییس بی لیاقت، استعفاء، استعفاء»، «باشعار هائی چون معلم می میرد، ذلت نمی پذیرد، وزیر بی لیاقت استعفا استعفا و .. شده اید که نشان می دهد تاجه حد جنبش های اجتماعی ما صرف نظر از خودی ویژگی هایشان، در گور خود دارای مطالبات مشترک و تأثیر پذیر و تأثیر گذار بر هم هستند. و این البته باتوجه به آن که رژیم جمهوری اسلامی بعنوان دشمن مشترک همه آن ها، همزمان سیاست های راهبردی یکسانی را در برابر آن ها، نظیر سرکوب تشکل ها و نهاد های مستقل، سرکوب مطالبات صنفی و ایجاد فضای تک صدایی، سرکوب زندگی عرفی و تبعیض جنسی در پهنه جامعه، دیکته کردن سواد های یک دولت ایثنولوژیک - مذهبی و ... به عمل می آورد چندان عجیب هم نیست. بخصوص در مورد دانشجویان و معلمان باید اشتراک کلی آنها در وابسته بودن به محیط های فرهنگی و آموزشی

وقتی که رژیم دانشگاه را با پادگان عوضی میگیرد!

را نیز به آن اضافه کرد. که معنای سرکوب ایدئولوژیک و فرهنگی یک حکومت تمامیت‌گرای مذهبی را برای آن‌ها ملموس‌تر می‌کند.

مهم‌ترین عامل برپایی این مقاومت و موفقیت نسبی دانشجویان را باید قبل از هر چیز درسه نکته اصلی و کلیدی زیرجستجو کرد:

نخست، در طرح مطالبات مشخص و فراگیر، وقاطعیت در پیگیری آن‌ها

دوم، در حضور فعال، جنبشی و گسترده بدنه دانشجویی که مستلزم اتحاد عمل همه گرایش‌ها و گریز از همونی‌طلبی این یا آن گرایش بر کل حرکت است. که در یک کلام ناظر بر برگسترش هرچه بیشتر پایه توده‌ای مقاومت در جنبش دانشجویی است.

سوم ابراز همبستگی توسط سایر دانشجویان که رژیم را نگران‌کننده‌تر دامنه اعتراض به سایر دانشگاه‌ها نمود.

ترکیب عناصر سه‌گانه فوق‌الذکر است که در دانشگاه شیراز رژیم را وادار به مذاکره حول مطالبات دانشجویی می‌کند. و در همان حال حضور فعال بدنه و مجامع عمومی در صحنه و بعنوان قدرت پشتیبان، می‌تواند ضامن عقب‌نشینی رژیم در برابر دانشجویان گردد و فراتر از آن، تداوم تضمین‌کننده اجرای وعده‌های آن شود. و گرنه با شناختی که از ماهیت رژیم داریم مذاکره به تنهایی جز با هدف ایجاد تنش و کمین کردن برای یورش بعدی حاصلی نخواهد داشت

دانشجویان شیراز که در پی درهم شکستن جعبه آینه منشور رژیم عملاً کنترل دانشگاه و خروج و ورود به آن را در دست خود گرفته‌اند و با تشکیل میتینگ‌ها و مجامع عمومی گسترده و چند هزار نفری و با کشاندن رئیس دانشگاه برای پاسخ‌گویی به این مجامع و با گرفتن جلوی هرگونه لفاظی و طفره روی او، نهایتاً رژیم و مقامات دانشگاه را وادار به عقب‌نشینی و اعلام موافقت با خواست‌های خود کردند. و باین ترتیب آن‌ها نمونه درخشانی از کاربرد تاکتیک‌های فوق‌الذکر را به نمایش گذاشتند. آنان هم چنین با شناخت ماهیت رژیم دست اندرکاران آن، بدون آن‌که یک لحظه فریب و عده و وعده‌های وی را بخورند یک مهلت سه هفته‌ای را برای مشاهده عملکرد مقامات دانشگاهی و رژیم و بررسی آن در مجمع عمومی دانشجویان تعیین کردند. بر این اساس تنها در صورتی که عملکرد گزارش رئیس دانشگاه به مجمع عمومی دانشجویان مثبت ارزیابی شود، دانشجویان به حرکات اعتراضی خود پایان خواهند داد.

از سوی دیگر نگاهی به بیانیه‌های دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه مازندران نیز به نوبه خود گوشه‌ای از روند بلوغ بانی و آگاهی امیدوارکننده جنبش دانشجویی را به نمایش می‌گذارد. نگاهی به فرازهایی از این بیانیه‌ها نشان می‌دهد که دفاع از خواست‌های مشخص دانشجویی، به همراه دفاع از مطالبات سایر زحمتمکشان و نیز مطالبات اجتماعی جنبش زنان و درک اهمیت همبستگی بین‌المللی و مخالفت با هرگونه جنگ افروزی و تحریم اقتصادی در آن ب خوبی مشهود است. چنان‌که در جایی می‌خوانیم: حرف ما همان است که دانشجویان دانشگاه‌های ایران در ۱۶ آذر روز دانشجو زدند! زنان و مردان در اجتماعات و قطعنامه‌های هشت مارس زدند! کارگران در تظاهرات‌ها و اعتصاب‌هایشان زدند! ما انسانیم! هویتمان جهانی و انسانی است! دانشجویان بایستار نیز با اعلام اتمام حجت به صاحبان قدرت

با مخاطب قراردادن آزادیخواهان جهان از آنها می‌خواهند:

* *خواهان آزادی فوری همکلاسیهای ما در دانشگاه بابل‌سر و*

آزادی همه دانشجویان دستگیر شده شوید!

* *خواهان پرداخت حقوق معوقه کارگران و برسمیت شناسی*

حق تشکّل و اعتراض و اعتصاب و قرارداد دسته جمعی آنها شوید!

* *خواهان آزادی فعالین حقوق زن و برسمیت شناسی آزادی*

پوشش و حقوق برابر زنان و مردان شوید!

* *خواهان حق زندگی ایمن، حقوق سیاسی و اجتماعی،*

حرمت و رفاه ما شوید!

* *خواهان پایان دادن به تحریم اقتصادی، نفی جنگ و*

تروریسم، و حمایت از مردم در ایران شوید!

ما دنیایی عاری از جنگ و نفرت و بمب و فقر و اختناق و

بیحرمتی انسانها را آرزو داریم! ما به همبستگی انسانی ارج

می‌گذاریم! همبستگی انسانی مرز نمی‌شناسد!

یکی از مشخصات وضعیت کنونی جنبش مبارزاتی کاسته شدن از فاصله زمانی خیزش‌های جداگانه هر کدام از آنها از یکدیگر و نزدیک شدن زمان اعتراضات و گاهی هم‌زمانی آنها با یکدیگر است. بی‌شک وقوع چنین پدیده‌ای انعکاسی است از روند تکوین مطالبات مشترک و آگاهی به رنج‌ها و دردهای مشترک از یکسو و واکنشی به گشودن یک جبهه سراسری و هم‌زمان از سوی رژیم علیه بخش‌های مختلف زحمتمکشان، زنان و روشنفکران از سوی دیگر هم چنین بلوغ چنین روندی است که بستر عینی و ذهنی مناسب را برای گسترش هماهنگی و همبستگی میان جنبش‌های مختلف فراهم می‌سازد و. و اگر در نظر بگیریم که یکی از عوامل اصلی قدرت رژیم در جدائی و پراکندگی و عملکرد جداگانه هر کدام از این جنبش‌ها بوده است آنگاه به اهمیت تکوین همبستگی و وشتاب دادن به آن بیشتر پی خواهیم برد. بی‌تردید در این میان جنبش‌های دانشجویی بنا به گواهی تجربه، بالقوه دارای پتانسیل و امکان ایفاء نقش مهمی در تقویت و تخمیر این همبستگی‌ها می‌تواند داشته باشد. البته ایفاء چنین نقشی از سوی جنبش دانشجویی مستلزم پیش شرط‌هایی است که تحقق آن مستلزم بکارگیری راهبردهایی است که می‌توانیم آن‌ها را بطور فشرده در شرح محور زیر جمع بندی کنیم:

1- نخستین راهبرد، ضرورت رستارت شدن هرچه بیشتر صدا و گفتار رادیکال و متعلق به چپ معطوف به جنبش‌های اجتماعی و طبقاتی و مدافعان آزادی و برابری است. بدیهی است که این صدا بدون مصاف نظری و سیاسی با سایر گفتارهای حاکم و متعلق به جامعه طبقاتی چه لیبرال‌ها و چه مدافعان نظام سیاسی حاکم قادر نخواهد بود که صدای خود را متمایز و فراگیر کند. گرچه شفاف کردن هرچه بیشتر این گفتار و منبسط ساختن آن در صفوف مستقل خود، یکی از شروط تعیین‌کننده تحقق ظرفیت‌های بالقوه جنبش دانشجویی (و نیز انجام وظایف فرادانشجویی) است، اما خطاست هر آنکه که به تنهایی این صدا و این گفتار را معادل جنبش دانشجویی تلقی کنیم:

2- جنبش دانشجویی بزرگ‌تر و فراتر از آن است که بتوان آن را در قالب این یا آن گرایش جای داد.

بنابراین مطابق راهبرد دوم، بهمان اندازه اهمیت محور نخست یعنی حضور مستقل این صدا، مهم است که صدای خود را معادل کل جنبش دانشجویی نماند و خود را تنها بخشی از آن بشمار آورد. نباید فراموش کنیم که برسمیت شناختن پلورالیسم و چندگونگی یکی از مهمترین مشخصات این گونه جنبش‌هاست. البته نیازی به گفتن ندارد که جمع کردن این دو مهم بایکدیگر، یعنی در نظر گرفتن جنبش به مثابه کلیتی متکثر و در چهارچوب آن به تقویت گفتار رهائی بخش و رادیکال پرداختن، بلوغی را می‌طلبد که ضرورت شفاف ساختن گفتار رادیکال را نه فقط به حربه‌ای برای تکه پاره کردن جنبش‌ها تبدیل نکند، بلکه برعکس آنرا در جهت تقویت توانمندی کلیت جنبش متکثر و رادیکالیزه کردن گام به گام آن در دست تجربه خود جنبش بکارگیرد. روشن است که دست یافتن به چنین بلوغی تاچه حد درگرو جنگیدن با گرایش‌های سکتاریستی، همونی‌طلبانه، کیش رهبری و با آن‌هایی است که شب و روزشان در جستجوی تعبیه سرو"سازمان" (هم نهاد و هم تئوری) برای جنبش، جهت هدایت و کنترل آن می‌گذرد. نباید فراموش کنیم که گفتار رهبری و تمامیت خواهانه با تن پوش‌های بسیار متنوع و رنگارنگی از جمله با تن پوش عاریتی "چپ" به ابراز وجود می‌پردازد که لازم است در هر شکل و لباسی افشاء و منزوی گردد.

3- بی‌شک یک جنبش بالقوه میلیونی را نمی‌توان بدون خواستهای مشخص و ملموس و فراگیر اعم از صنفی و سیاسی قابل تصور دانست. بنابراین هرگونه بی‌توجهی به این گونه مطالبات به معنای ناپدید شدن عوامل یا گرفتن و مینبای وجودی جنبش است. بدیهی است که مطالبات فقط صنفی نیستند، بلکه عموماً خصلت صنفی-سیاسی دارند. بویژه در جامعه ما، بدلیل وجود یک رژیم تمامیت‌گرا و ایدئولوژیک-مذهبی، که مداخله دائمی آن در کوچکترین بایدها و نبایدهای زندگی مردم، یکی از مشخصه‌های اصلی آن است، پیوند تنگاتنگی بین عرصه‌های سیاست و صنفی وجود دارد. ولی وجود این رابطه نزدیک نباید منجر به نقض قانونمندی فوق گردد. در واقع وجود چنان رابطه‌های تنگاتنگی بین مطالبات صنفی و سیاسی، تنها راه فراروی از یکی به دیگری و از طریق تعمیق خواستهای بیواسطه و جاری فراهم می‌کند و نه انکار و دست کم گرفتن آنها را.

وقتی که رژیم دانشگاه را با پادگان عوضی میگیرد!

4- سپای بندی به موازین ساختارهای جنبشی و حرکت جنبشی به مثابه راهبرد چهارم.

بی گمان در نظر گرفتن چندگونگی در چهارچوب مختصات اصلی جنبش، یعنی خصائل ضد استبدادی، برابری خواهانه و ضد امپریالیستی جنبش دانشجویی، و توجه مطالبات پایه ای و مشترک قاطبه دانشجویان از شروط لازم نگرش جنبشی است ولی نه هنوز کافی. هرآینه اگر این گفتمان در قالب ساختارها و عملکرد جنبشی کانالیزه نشود بیم آن می رود که از مسیر بالنده اش خارج شود. یعنی باید در اشکالی جریان یابد که بتواند بیشترین تعداد دانشجویان را بطور مستقیم در مبارزه برای اهداف خود درگیر ساخته و در تصمیم گیری ها مشارکت دهد. بکارگیری چنین شیوه ای مستلزم آنست که همواره تأکید اصلی بر وجود حداقل ساختار هر می و مبتنی بر نمایندگی در بالا و بر حداکثر مشارکت در پایین صورت گیرد. رویکردی که خود را در تأکید هرچه بیشتر بر نقش مجامع عمومی در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها و در گفتگو و اقتناع و بسیج دانشجویان بر این بستر، در ساختارهای افقی و در یک کلام بکارگیری و تقویت دمکراسی مستقیم و مشارکتی نشان می دهد. گراف نخواهد بود اگر بگوئیم که گسترش دامنه جنبش خود بنیاد و خود رهان دانشجویی، باید تمرین های معطوف به عمل اجتماعی بر اساس ساختارهای فرا سلسه مراتبی خود را از همین امروز شروع کند. نویسندگان ایران با صدای رسا می گوید:

از جان مردم چه می خواهید؟ این همه گرفت

5- جنبش دانشجویی بنابه جایگاه طبیعی خود عموماً دارای دورویکرد همزمان والته مکمل هم هست. یکی معطوف به مطالبات و جنبش اخص دانشجویی و دیگری آمیزش با سایر جنبش های اجتماعی و طبقاتی و تقویت آگاهی و مبارزات و همبستگی آن ها. و بهمین دلیل جدال از مختصات خود ویژه ای که نیازمند تاکتیک ها و استراتژی اخص است، در عین حال بخش مهمی از جنبش های عمومی را تشکیل می دهد که بهمین اعتبار همراه با سایر جنبش ها، درون کشتی بزرگتری قرار دارد که نهایتاً سرنوشتش با سرنوشت این کشتی پیوند خورده است. از همین رو ضرورت داشتن استراتژی کلان و گره زدن مبارزات خود با مبارزات سراسری ضرورتی گریزناپذیر است. نکته اصلی آنست که این دو عرصه استقلال نسبی خود را داشته و بهیچ وجه در برابر هم دیگر قرار ندارند و نباید آنها را در تقابل با یکدیگر قرار داد. در حقیقت تکامل و تقویت این هر دو عرصه لازم و ملزوم یکدیگرند. بدیهی است که یک جنبش دانشجویی دارای نفوذ توده ای در میان دانشجویان، خواهد توانست حول مطالبات مشترک و کلان، مشارکت فعال تر و مؤثرتری با سایر جنبش های اجتماعی و مبارزات عمومی آن ها به عمل آورد تا هنگامی که خود یک جنبش ضعیف و پراکنده باشد. بنابراین راهبرد برپائی جنبش جنبش ها، نیازمند یک جنبش دانشجویی نیرومند توده ای است. جنبشی که قادر است با استفاده از مطالبات مشترک و حلقات متداخل خود نقش مثبت و کارساز را در مبارزه علیه ستم سیاسی-مذهبی، جنسی،

ملی و طبقاتی و رهائی اجتماعی (سوسیالیسم) به عمل آورد.

6- ضرورت داشتن نگاه جهانی و پیوند با جنبش های جهانی ضد سرمایه داری

در دنیایی که سرنوشت آحاد ساکنین آن روز بروز با یکدیگر بیشتر گره می خورد و در همان حال زحمتکشان همه کشورها، با دشمنان واحد و متحدی روبرومی شوند که با کنترل همه اهرم های جهانی، فقر و تبعیض و تبااهی را در هر نقطه جهان جاری می سازند، به تنهایی و به صرف یک استراتژی بومی و معطوف به مرزهای ملی نمی توان به مقابله با چنین فلاکتی بپاخواست. از این رو یک استراتژی واقعی و کارآمد نمی تواند بدون وجه منطقه ای و جهانی قابل تصور باشد. در همین رابطه ضرورت همبستگی و پیوند متقابل با جنبش های مترقی بین المللی از یکسو و مشارکت در مبارزه علیه امپریالیسم و نظام حاکم بر جهان و تهدیدات آن از سوی دیگر، یکی از مولفه های مهم جنبش های نوین است. و پاسخ به این نیاز از سوی جنبش دانشجویی از اهمیت زیادی برخوردار است.

86-02-05-25-04-2007

بیانیه ی کانون نویسندگان ایران درباره ی

سرکوب ها و تنگناهای اخیر

از جان مردم چه می خواهید؟

کانون و گیر، احضار، حبس و شکنجه و آزار برای چیست؟ این همه سانسور و آزادی کشی چرا؟ مردم را آسوده بگذارید!

نویسندگان مستقل را که جز برای زندگی و عشق و امید و آزادی نمی نویسند خفه می-کنید؛ زنان مبارز این مرز و بوم را که چیزی جز حقوق راستین خود نمی خواهند به بند می کشید؛ کارگرانی را که جز احقاق حقوق پایمال شده ی خود چشم داشتی ندارند سرکوب می کنید؛ روزنامه نگاران آزاده را به زندان می افکنید؛ معلمانی را که در پی دستیابی به حقوق واقعی و انسانی خویش اند تهدید و بازداشت می کنید. آزادی انتخاب پوشش را که ابتدایی ترین حق هر انسان است، از زنان گرفته اید. دانشجویان را از فعالیت آزادانه اجتماعی مانع می شوید و ... در ادامه این همه سرکوب، برای ناشران مستقل به هر بهانه خط و نشان می کشید؛ به گور جانباختگان راه آزادی هم رحم نمی کنید و حتی از ویران کردن آثار تاریخی و میراث فرهنگی مردم ایران و جهان، از جمله مجموعه تاریخی پاسارگاد نیز نمی هراسید.

چرا؟ این همه سرکوب و بی خردی برای چیست؟ به پاس حرمت فرارسیدن اول ماه می، روز جهانی کارگر، کانون نویسندگان ایران تبریک خود را به همه ی کارگران ایران و جهان تقدیم می دارد و خواهان آزادی فوری محمود صالحی، از دستگیر شدگان سقز در اول ماه می (اردیبهشت) سال ۱۳۸۳ و دیگر کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، فعالان اقوام مختلف و روزنامه نگاران زندانی است، همچنین خواستار پایان گرفتن احضارها و سرکوب هاست.

کانون نویسندگان ایران آرزومند جهانی به دور از جنگ، جهل و گرسنگی و خواستار آزادی، رفاه و برابری انسان هاست.

کانون نویسندگان ایران

ششم اردیبهشت ۱۳۸۶

بیانیه فعالین نشریه دانشجویی بذر به مناسبت اول ماه مه

تغییر اصل 44 قانون اساسی رژیم مبنی برگسترش خصوصی سازی ها که جلوه ای دیگر از نئولیبرالیسم در سطح جهانی است را افشا می کنیم. چرا که این شکل از سرمایه داری نیز نتیجه ای جز استثمار و فقر بیشتر برای کارگران در بر ندارد. کما اینکه شاهد سیه روزی مردم در همه جهان به طور عام و آمریکا جنوبی به طور خاص هستیم. مناطقی که این سیاست پیگیرانه در آنها اجرا شده است.

خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری که اخیرا بازداشت شده اند هستیم. ترفندهای رژیم مبنی بر ایجاد تفرقه و پراکندگی میان کارگران بر اساس تفاوت های جنسیتی، ملیتی، مذهبی، سابقه کاری، تخصص و ... را افشا کرده و خواستار هوشیاری و آگاهی هر چه بیشتر کارگران هستیم. به عنوان فعالین جنبش دانشجویی تلاش خواهیم کرد که حلقه واسط میان جنبشهای مختلف توده ای باشیم. کارگران را به حمایت، اتحاد و همراهی با سایر جنبشهای اجتماعی مانند جنبش زنان، دانشجویان و معلمان دعوت می کنیم. چرا که مبارزات کارگران در راه رهایی از مبارزات سایر مردم ایران جدا نمی باشد.

کارگران را فرا می خوانیم که در سیاستهای کلان کشور دخالت کنند، نقش تعیین کننده در برافراشتن پرچم راه سوم بر عهده گیرند و تمامی استمدیگان را حول این پرچم متحد کنند.

چشم فعالین جنبشهای ضد جنگ و ضد سرمایه داری به طبقه کارگر و نیروهای چپ و رادیکال ایران دوخته شده که چه نقشی در کشمکشهای بزرگی که در راهست ایفا خواهند کرد.

فراموش نکنیم که مبارزه کارگران شیگانو در اول ماه مه 1886 که در تاریخ ماندگار شد بر خلاف تبلیغات رایج صرفاً یک مبارزه اقتصادی و صنعتی نبود بلکه آنان دلیرانه به خیابان آمدند، در نبردی سیاسی و از جان مایه گرفته شرکت کردند و کلیت نظام سرمایه داری را به مصاف طلبیدند.

چشم طبقه کارگر جهانی، نیروهای مترقی ضد جنگ و ضد جهانی سازی سرمایه داری به ما دوخته شده که چگونه متحدانه، همدوش و هم صدا پرچم انترناسیونالیسم پرولتری را در اول ماه مه به اهتزاز در می آوریم و جهان دیگری را نوید می دهیم.

اول ماه مه 1386

نشریه دانشجویی بذر: www.bazr1384.com

* پیوندها *

ایمیل روابط عمومی سازمان
public@rahekargar.net
تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etchadchp.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

اول ماه مه روز جهانی کارگر فرا می رسد. این روز به طبقه ای تعلق دارد که رسالت تاریخی اش بر چیدن بساط ظلم، ستم، استثمار، بهره کشی و بردگی و رهایی کل بشریت است. اول ماه مه ثمره مبارزات قهرمانانه کارگران شیگانو است که بیش از 120 سال از آن می گذرد. هر ساله میلیونها کارگر به همراه افشار و طبقات زحمتکش، اعم از زن و مرد، در هر کجای جهان، در هر فضای سیاسی، منجمله فضای اختناق و سرکوب گرد هم می آیند تا چنین روزی را گرامی دارند.

امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می رویم که ایران به نقطه تصادم قدرت های امپریالیستی بدل گشته و دخالت نظامی در ایران به عنوان یک گزینه پر طرفدار در غرب مطرح شده است و ارتجاع داخل هم کما فی السابق به زورگویی خود ادامه داده و این بار طبل اتحاد ملی را به صدا در آورده است. باری که فریبکاری و توطئه از دو سو مردم ما را تهدید می کند.

فریبکاری امپریالیستی تحت نام "آزادی" و "دموکراسی" که نتایج عملی و بارز آن را در افغانستان و عراق دیده ایم و می بینیم که ثمره ای جز اشغالگری، کشتار روزانه مردم بی دفاع، قتل های ناموسی، نا امنی و بی ثباتی، فقر و فلاکت، تقویت بنیادگرایی مذهبی و تاسیس جمهوری های اسلامی طرفدار آمریکا بیار نیآورده است.

فریبکاری ارتجاع داخلی نیز در سویی دیگر قرار دارد که تحت لوای اتحاد ملی و دفاع از میهن می خواهد قدرتش را حفظ کند. قدرتی که نتیجه آن چیزی جز استثمار و سرکوب هر چه بیشتر مردم، جهل و خرافه و اختناق و فقر نیست. در حقیقت حفظ پدنه نظام فاسد و ارتجاعی تعریف فریبکارانه آنها از منافع ملی است.

امسال در حالی اول ماه مه را جشن می گیریم که مبارزات مردم در سراسر کشور دوران پر فراز و نشیبی را از سر گذرانده است. ادامه مبارزات کارگران اعتصابی و اخراجی شرکت واحد، اعتصاب های متعدد کارگران کارخانه های گوناگون در نقاط مختلف کشور و دستگیری شماری از آنها، تهدیدات، دستگیریها و اخراج فعالین چپ دانشجویی، سرکوب هر چه بیشتر زنان و بازداشت فعالین زنان، علم کردن دوباره مسئله حجاب و تهدید و سرکوب هر چه بیشتر زنان، مبارزات و اعتصابات بی در پی معلمان و دستگیری تعدادی از آنها و همچنین دستگیری فعالین کارگری در آستانه اول ماه مه از نمونه های آن می باشد. همه این مقاومتها و مبارزات و سرکوب آنها قبل از هر چیز بیان ناتوانی حاکمیت در جلوگیری از گسترش مبارزات مردمی است. شمشیر از رو بستن احمدی نژاد ورشکسته از آب در آمد. چرا که این بار مردم هستند که می خواهند و می توانند سرنوشت خود را تعیین کنند. در غیر اینصورت جامعه به قهقرا ارتجاعی دیگری سوق داده خواهد شد.

بحران های داخلی و تهدیدات خارجی تنها نشانگر آن است که چاره جویی های امپریالیسم خارجی و ارتجاع داخلی راه حل نیستند. آنان خود بخشی از مشکل جهان کنونی هستند که باید از سر راه مردم برداشته شوند. در این میان راه سومی موجود است که تنها راه رهایی است. رهایی از یوغ ستم و استثمار و هر گونه بی عدالتی. راه سومی که در آن منافع اکثریت مردم زحمتکش حرف اول را می زند. راه سوم راه مقاومت، اتحاد و مبارزه برای کسب آزادی است. همه باید در کنار یکدیگر با سخت کوشی این راه را هموار کنیم. برای این امر باید آگاهانه و هدفمند علیه تمامی دخالت های امپریالیستی و ارتجاعی مبارزه کرده و آنها را در سطح وسیع افشا کنیم. اول ماه مه فرصت خوبی است برای ما دانشجویان که همراه با کارگران به میدان آییم و اعلام کنیم که :

مخالف کلیه اشکال مختلف ستم های موجود در جامعه اعم از تبعیض بر اساس ویژه گی های منحصر به فرد از قبیل ملیت، جنسیت، نژاد، مذهب و یا لا مذهب هستیم و خواهان یک مبارزه جدی و همه جانبه سیاسی و فرهنگی در این زمینه ها هستیم.

تمام دستگیری ها، اخراجها و سرکوب های کارگران مبارز را محکوم می کنیم و خواهان بازگشت آنها به کار با پرداخت تمام حق و حقوق معوقه آنها و اجرا و پرداخت کامل حقوق آنها در حین انجام کار از قبیل بیمه، ساعات کار، استراحت و ... هستیم.

خواهان آزادی حق اعتصاب، اعتراض و حق تشکل های مستقل و آزاد کارگری هستیم و تلاش خواهیم کرد که به اشکال مختلف به ایجاد تشکلهای مستقل از حکومت و نهادهای امپریالیستی یاری رسانیم.

خواهان رفع ستم جنسیتی از زنان کارگر و دستمزد برابر در مقابل کار برابر با مردان هستیم.

خواهان لغو سیاست قرارداد های موقت هستیم که تنها چهره ای از برده داری نوین است که کارگران را با کمترین حقوق و مزایا و بدون امنیت شغلی در سخت ترین شرایط به کار گرفته و نتایج وخیم و مصائب وحشتناکی از قبیل خود کشی های دسته جمعی و خانوادگی، فقر، اعتیاد را به کارگران تحمیل می کند.

